

مقدمه

به نام خدایی که در این نزدیکی است.

دانش‌آموزان عزیز و همکاران فرهیخته، سلام

در سال‌های اخیر و به‌ویژه در امتحان نهایی زبان دوازدهم خردادماه ۱۴۰۳، سؤالات مفهومی بسیاری طراحی شده بود؛ این بدین معناست که با زمان کم نمی‌شود به نمره بیست رسید و این امر مستلزم یک برنامه منظم و مستمر برای مطالعه است. مهم‌ترین ویژگی این کتاب منطبق بودن آن با تدریس همکاران عزیز و آموزش تدریجی همه مطالب براساس طرح درس سالانه وزارت آموزش و پرورش است. برای سهولت در مطالعه مستمر، کتاب پرسؤال به چهار بخش تقسیم شده تا هم دانش‌آموزان عزیز زمان لازم را برای مطالعه هر بخش داشته باشند و هم دچار استرس نشوند. اینجانب با مطالعه اکثر کتاب‌های موجود در بازار سعی کرده‌ام با احترام به رقبا (رفقا) بهترین‌ها را برای شما عزیزان فراهم کنم تا وقت و هزینه شما را تلف نکرده باشم (انشاءالله).

ساختار کتاب کتاب بیست‌پک به این نیت نوشته شده که تمام نیازهای شما دانش‌آموزان عزیز را برای گرفتن نمره خوب در امتحان نهایی برطرف کند. با اطمینان می‌گوییم که هیچ نکته‌ای در امتحان نهایی مطرح نشده مگر اینکه ما هم در این کتاب به آن پرداخته‌ایم. تعداد زیاد سؤالات شبیه‌ساز ما گواهی بر این ادعای ماست.

کتاب پرسؤال -۱- بخش اول:



Title Page , Get Ready , Conversation

در این بخش علاوه بر لیست کامل واژگان و هماینها، سؤالات متنوعی مانند پر کردن جاهای خالی، سؤال تصویری، تعاریف واژگان، چهارگزینه‌ای و تمرینات ویژه کلمات هم‌نشین (collocation) آمده است. این بخش و سایر بخش‌ها شامل خط به خط کتاب درسی و سؤالات تألیفی و امتحانات نهایی سال‌های گذشته می‌شود. تسلط بر این بخش سه درس کتاب، ۶ نمره (۱۵ درصد) امتحانات نهایی را پوشش می‌دهد.

۲. بخش دوم:



New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

بعد از مطالعه بخش واژگان و هماینها، تعداد زیادی از سؤالات این بخش را مشاهده می‌کنید که شامل انواع تیپ‌های سوال‌ها مانند پر کردن جاهای خالی جملات، تمرینات ویژه هماینها، سؤالات تصویری واژگان، سؤالات چهارگزینه‌ای، متن کتاب درسی با ترجمه و تمرینات متنوع آن می‌باشد. فراموش نکنید که حدود ۱۶ نمره از ۴۰ نمره به همین بخش تعلق دارد، یعنی ۴۲/۵ درصد سؤالات. به‌علاوه حتی از متن درس‌ها هم سؤالات شنیداری داده می‌شود.

۳. بخش سوم:



Grammar, Listening and Speaking, Writing, What You Learned

برای انجام تمرینات این بخش ابتدا لازم است واژگان این بخش تمرین شود، چون علت عمده مشکلات بخش گرامر، ناشی از ضعف در دامنه واژگان است. این بخش ۲۴ نمره دارد، یعنی ۶۰ درصد سؤالات را تشکیل می‌دهد. این ۲۴ نمره شامل ۷ نمره گرامر و ۹ نمره بخش شنیداری و ۸ نمره بخش نگارش می‌شود.

۴. بخش چهارم:

این بخش شامل متن کتاب کار و تمرینات مهم و کاربردی آن است که برای امتحانات نهایی مهم است. در امتحانات نهایی در طراحی سؤالات واژگان، گرامر، درک مطلب و شنیداری از کتاب کار استفاده می‌شود. در ضمن متون کتاب کار سخت‌تر از کتاب دانش‌آموز می‌باشد، پس با دقت و موشکافانه آن‌ها را بخوانید. برای بیست گرفتن حتماً باید به مطالب کتاب کار مسلط باشید.

کتاب کاربرگ امتحانی -۱- آزمون‌های درسی: آزمون‌های درسی را به سبک و سیاق امتحان نهایی طراحی کردم؛ همچنین سعی کرده‌ام تمام نکات مهم و امتحان‌خیز هر درس، در قالب این آزمون‌ها بیاید. بنابراین پس از خواندن هر درس، یک امتحان نهایی در حد همان درس در انتظارتان است.

۲- آزمون‌های جامع پس از آزمون‌های درس به درس، شش آزمون جامع قرار داده‌ایم. از این شش آزمون، دو آزمون تألیفی برای نیم‌سال اول، دو آزمون تألیفی شبیه‌ساز نهایی برای نوبت دوم و آخر سال و دو آزمون نهایی است: دی ۱۴۰۲ و خرداد ۱۴۰۳. حتماً پس از مطالعه کل کتاب به این آزمون‌ها بپردازید.

خلاصه کپسولی با هدف جمع‌بندی، یک دفترچه کاربردی و موضوعی، ضمیمه کتاب قرار داده شده؛ موضوعات این دفترچه کار راه‌انداز شب امتحانی، موارد مهم و مروری با محوریت لغات و گرامر است.

سیاسکده

و در خاتمه وظیفه خود می‌دانم از افرادی که در آماده شدن این کتاب همراه من بوده‌اند، نهایت تشکر و قدردانی را داشته باشم. ابتدا خداوند بزرگ را شاکرم که توفیق این خدمت ناچیز فرهنگی را به من عطا فرمود تا به اندازه یک اپسیلون در موفقیت فرزندان این مرز گام بردارم و در شادی موفقیت‌هایشان سهیم باشم.

جناب آقای احمد اختیاری مدیرعامل انتشارات مهرماه که همیشه با راهنمایی‌هایشان باعث دلگرمی من بودند. جناب آقای امیر محمدبیگی مدیر تألیف خستگی‌ناپذیر و خیلی کاربلد پروژه که از ایده‌هایشان در پربار شدن این اثر استفاده شده است. ایشان در کارشان بسیار جدی هستند و همراه بودنشان را ارج می‌نهم.

دوست عزیز و برادر بزرگوام جناب استاد مهدی احمدی مدیر دپارتمان زبان انتشارات مهرماه که حضورم را در مجموعه وزین مهرماه مدیون ایشان هستم و تنها دوستی هستند که همیشه می‌توان روی دوستی‌اش حساب کرد.

دوست و استاد ارجمندم جناب آقای بهرام دستگیری (مؤلف بیش از ۴۰ عنوان کتاب کمک درسی) که در ویرایش کتاب‌ها همیشه کمک کار من بودند. ایشان یکی از بهترین‌های زبان ایران و استان اردبیل هستند.

تشکر ویژه‌ای دارم از سرکار خانم مهشید بشیری بابت تقبل تمام زحمات و پیگیری کارها؛ همراهی ایشان موهبت بزرگی است.

در پایان از همه دانش‌آموزان عزیز و همکاران فرهیخته تقاضا دارم با ارسال نظرات و پیشنهادات سازنده از طریق روابط عمومی انتشارات مهرماه به سامانه ۹۶۸۸۴ ما را در هرچه بهتر شدن این کتاب یاری فرمایند.

علی عاشوری

Telegram:@ashooryzaban

با سپاس فراوان از استادان گرامی که بازخوانی نهایی کتاب را انجام دادند:

با سپاس فراوان از استادان گرامی که بازخوانی نهایی کتاب را انجام دادند؛

- سرکار خانم مریم پرویزی از تهران
- سرکار خانم شکیبا اسماعیلی از تهران
- سرکار خانم دکتر زهرا براتی سرگروه محترم منطقه ۱۴ تهران
- سرکار خانم فاطمه مرادیان‌فر از شهرکرد
- سرکار خانم فاطمه عصیری از سمنان
- استاد بهرام دستگیری از اردبیل

جدول اختصارات استفاده شده در کتاب

اختصار	کلمه	معنی
v.	verb	فعل
n.	noun	اسم
adv.	adverb	قید
adj.	adjective	صفت
prep.	preposition	حرف اضافه
col.	collocation	هم‌نشین، هم‌ایند
phr.v	phrasal verb	فعل دوکلمه‌ای
expr.	expression	اصطلاح
conj.	conjunction	حرف ربط

فهرست

درس ۱:

Sense of Appreciation

۷



Title Page, Get Ready, Conversation

۸	لغات
۱۸	سؤالات امتحانی
۱۱۰	پاسخنامه

New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

۱۰	لغات
۲۰	سؤالات امتحانی
۱۱۱	پاسخنامه

Grammar, Listening and Speaking, Writing, What You Learned

۱۱	لغات
۱۲	دستور زبان
۲۴	سؤالات امتحانی
۱۱۳	پاسخنامه
۴۰	کتاب کار

درس ۲:

Look it Up!



۴۳

Title Page, Get Ready, Conversation

۴۴	لغات
۵۱	سؤالات امتحانی
۱۲۶	پاسخنامه

New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

۴۵	لغات
۵۳	سؤالات امتحانی
۱۲۷	پاسخنامه

Grammar, Listening and Speaking, Writing, What You Learned

۴۶	لغات
۴۸	دستور زبان
۵۸	سؤالات امتحانی
۱۳۰	پاسخنامه
۷۴	کتاب کار

۷۷



درس ۳:

Renewable Energy

Title Page, Get Ready, Conversation

۷۸	لغات
۸۶	سؤالات امتحانی
۱۴۳	پاسخنامه

New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

۷۹	لغات
۸۸	سؤالات امتحانی
۱۴۴	پاسخنامه

Grammar, Listening and Speaking, Writing, What You Learned

۸۲	لغات
۸۳	دستور زبان
۹۲	سؤالات امتحانی
۱۴۶	پاسخنامه
۱۰۶	کتاب کار

پیوست



۱۵۷

۱۵۸	لغات پرتکرار نهایی
۱۵۹	افعال
۱۶۳	مکالمات

Lesson 1

Student Book

برای دریافت پاسخ پرسش‌های کتاب درسی این QR-Code را اسکن کنید!



مشاوره: دانش آموزان عزیز: در این درس برای نمره خوب کمر فتن:

- ۱- مکالمه و متن درس خیلی اهمیت دارد چون در سوالات امتحان نهایی بخش عمده‌ای از سوالات شنیداری از این بخش‌ها طرح می‌شود.
 - ۲- در بخش گرامر تمرینات معلوم و مجهول حدود ۳ نمره دارد که دقیقاً عین کتاب درسی می‌آید. از حل دقیق تمرینات غافل نشوید.
 - ۳- برای بخش واژگان که بخش خیلی مهمیه مطالعه واژگان بخش مکالمه، لغات و اصطلاحات که شامل لغات کلیدی است فراموش نشوید.
 - ۴- بخش نگارش درس یک ۲ نمره دارد که شامل حروف ربط همیشه و خیلی هم ساده است. حتماً این بخش نمره بیار را جدی بگیرین. کافیه یک بار دقیقاً تمرینات کتاب درسی و کتاب کار را دقیق حل کنین.
- برای شما دانش آموز عزیز بهترین را آرزو می‌کنیم. Do your best and Allah will do the rest! تو نهایت تلاشت را بکن. باقیش با خدا.

Vocabulary

لغات

Title Page , Get Ready , Conversation

• abroad (adv.)	خارج	• flu (n.)	آنفلوانزا	• member (n.)	عضو
• advice (n.)	توصیه	• following (adj.)	زیر، بعدی	• memory (n.)	حافظه، خاطره
• a little (adv.)	کمی	• found (v.)	تأسیس کردن	• might (modal verb)	ممکن است
• appreciation (n.)	قدردانی، درک	• friendly (adj.)	دوستانه	• orally (adv.)	به‌طور شفاهی
• appropriate (adj.)	مناسب	• function (n.)	عملکرد	• others (adv.)	دیگران
• behavior (n.)	رفتار	• generous (adj.)	سخاوتمند	• photograph (n.)	عکس
• blood (n.)	خون	• great (adj.)	بزرگ	• physician (n.)	پزشک
• boost (v.)	تقویت کردن	• guess (v.)	حدس زدن	• polite (adj.)	مودب
• brain (n.)	مغز	• have to (v.)	مجبور بودن	• positive (adj.)	مثبت
• catch (v.)	گرفتن	• helpful (adj.)	مفید	• pressure (n.)	فشار
• careful (adj.)	دقیق، محتاط	• homeland (n.)	وطن	• professor (n.)	پروفسور
• check (v.)	چک کردن، بررسی کردن	• improve (v.)	بهبودیافتن	• really (adv.)	واقعاً
• close (adj.)	صمیمی، نزدیک	• increase (v.)	افزایش یافتن	• regard (v.)	در نظر گرفتن
• cure (v.) (n.)	مداوا کردن، معالجه	• interesting (adj.)	جالب	• sense (n.)	حس
• dedicated (adj.)	متعهد، دلسوز	• kind (adj.)	مهربان	• spare (v.) (n.)	مضایقه کردن، یدک
• diploma (n.)	دیپلم	• kindness (n.)	مهربانی	• start (v.) (n.)	شروع کردن، شروع
• disease (n.)	بیماری	• known (adj.)	شناخته‌شده	• stay (v.)	ماندن
• distinguished (adj.)	شناخته‌شده، متمایز، برجسته	• lazy (adj.)	تنبل	• strength (n.)	قدرت، توان
• donate (v.)	اهدای کردن	• life (n.)	زندگی	• such a (det.)	چنین
• each other (pro.)	یکدیگر	• lives (n.)	زندگی‌ها	• successful (adj.)	موفق
• elderly (adj.)	سالمند	• loving (adj.)	محبت‌آمیز	• teenager (n.)	نوجوان
• excuse (v.)	معدرت‌خواستن	• lower (v.)	کم کردن، کاستن	• terrible (adj.)	وحشتناک
• fact (n.)	واقعیت، حقیقت	• match (n.) (v.)	مسابقه، کبریت، جور کردن	• thousand (n.)	هزار
• famous (adj.)	مشهور، معروف	• medical (adj.)	پزشکی	• textbook (n.)	کتاب درسی
		• medicine (n.)	دارو، پزشکی	• What a pity! (idiom.)	چه حیف!



توضیحی درباره بخش **collocation** در این کتاب:

سلام و درود!

تا به حال اسم **collocation** را شنیده‌ای؟! حتماً در زبان شیرین فارسی، اصطلاحات و ترکیباتی مثل: «پدرم در اوامد» و «صو از ماست کشیدن» را شنیده‌ای. در زبان انگلیسی به این ترکیبات **collocation** گفته می‌شود؛ یعنی کلمات هم‌نشین یا هم‌نشین. دانستن کلمات هم‌نشین برای دانش آموزان بسیار ضروری است؛ در امتحانات نهایی در بخش عمده‌ای از سوالات «جای‌گذاری لغات» و «با دانش خود کامل کنید» از همین نوع اصطلاحات می‌آید. ما در این کتاب، کلی کلمات هم‌نشین آورده‌ایم تا هم دامنه لغات شما را بالا ببریم و هم مشکل امتحانات مدرسه‌ای و نهایی شما را حل کنیم. لطفاً تا این اصطلاحات را یاد نگرفتی تمرین‌هایش را حل نکن! در ضمن اصطلاحات **قلمز** فراتر از حد کتاب درسی است.

Collocations

• lower one's voice	پایین آوردن صدای خود	• blood pressure	فشار خون	• be born in	متولد شدن در
• elderly people	افراد سالمند	• take advice	پندگرفتن، پذیرفتن توصیه	• found a center	تأسیس کردن یک مرکز
• take care of sb	مراقبت کردن از کسی	• improve one's life	بهبودبخشیدن زندگی کسی	• close friend	دوست صمیمی
• brain function	عملکرد مغز	• have a good memory	حافظه خوبی داشتن	• be regarded as	در نظر گرفته شدن به عنوان
• match sth with sth	وصل کردن چیزی به چیزی	• the following sentences	جملات زیر	• teach medicine	تدریس کردن پزشکی
• family members	اعضای خانواده	• team members	اعضای تیم	• oral question	سؤال شفاهی
• donate blood	هدا کردن خون	• donate money	هدا کردن پول	• spare no pain	از هیچ کوششی دریغ نکردن
• appropriate time	زمان مناسب	• positive answer	پاسخ مثبت	• be friendly to sb	صمیمی بودن با کسی
• negative reaction	واکنش منفی	• a loving family	یک خانواده با محبت	• distinguished physician	پزشک برجسته
• medical center	مرکز پزشکی	• catch the flu	آنفلوآنزا گرفتن	• practice medicine	طبابت کردن
• catch a bus / train	سوار اتوبوس / قطار شدن	• stay awake	بیدار ماندن	• by the way	در ضمن، راستی
• stay calm	آرام ماندن	• take one's temperature	دمای بدن کسی را گرفتن	• medical center	مرکز پزشکی
• be sure about s.th sb.sth	مطمئن شدن درباره چیزی	• sense of appreciation	حسن قدردانی	• not surprisingly	جای تعجب نیست که
				• receive diploma	دیپلم گرفتن
				• as a matter of fact	در حقیقت

دانش آموزان عزیز، نام چهار نفر از افراد مشهور در کتاب دانش آموز ذکر شده و احتمال این که در سوالات نهایی از آن‌ها استفاده شود خیلی زیاد است. مخصوصاً در پاراگراف نویسی که موضوع درس سوم است. پس این شما و این هم بخش کوچکی از زندگی نامه این مردان بزرگ.

Why are these people important?

چرا این افراد مهم هستند؟

Rizali Khajavi	Hassan Omidzadeh	Jabbar Baghcheban	Abbass Babaei

Rizali Khajavi (Dehghan-e-Fadakar) is known as a national hero and his story is taught in Iranian schools. In a cold winter, he took off his coat, tied it to a stick and set it on fire while running toward an express train and screaming danger to draw the train driver's attention to the landslide. The driver managed to stop the train and a tragic accident was prevented.

hero	tie	express	scream	landslide	manage	tragic
قهرمان	گرمزدن	سریع‌السیر	دادزدن	رانش کوه	توانستن	غم‌انگیز

ریزعلی خواجه‌جوی (دهقان فداکار) به عنوان یک قهرمان ملی شناخته می‌شود و داستان او در مدارس ایرانی تدریس می‌شود. در یک زمستان سرد، او در حالی که به سمت قطار سریع‌السیر می‌دوید و فریاد می‌زد «خطر» تا راننده قطار را متوجه رانش کوه بکند، کتتش را در آورد، آن را به چوب بست و آتش زد. راننده قطار توانست قطار را متوقف کند و از یک تصادف غم‌انگیز جلوگیری شد.



Hassan Omidzadeh was a devoted teacher who worked in a primary school in a small village in the north of Iran. One day the school caught fire and his 30 students were stuck in the fire. He risked his life to save the kids. He was severely burnt and struggled with the injuries of the burn wounds for many years. He passed away 15 years after the accident.

devoted	primary	be stuck in	risk	severely	struggle	injury	wound
فداکار	ابتدایی	گیرافتادن	ریسک کردن	به شدت	مبارزه کردن	جراحت	زخم

حسن امیدزاده معلم فداکاری بود که در یک مدرسه ابتدایی در روستای کوچکی در شمال ایران کار می کرد. روزی مدرسه آتش گرفت و ۳۰ دانش آموز او در آتش گیر افتاده بودند. او زندگی خود را به خطر انداخت تا بچه ها را نجات دهد. او به شدت سوخت و با زخم های ناشی از سوختگی تا سالیان زیادی در مبارزه بود. او پانزده سال بعد از آن حادثه درگذشت.

Jabbar Baghcheban is well-known for opening the first Iranian kindergarten and the first deaf school for Iranian kids. He is the author of the book *Method of Teaching the Deaf* in which he explained his unique method of teaching the deaf, known as 'oral hand alphabet system'. He devoted his life to speech training of Iranian deaf students. Now, there are plenty of Baghcheban schools all around the country for deaf kids.

opening	kindergarten	deaf	author	unique	speech training	plenty	all across
افتتاحیه	کودکستان	ناشنوا	نویسنده	منحصربه فرد	گفتاردرمانی	زیاد	در سرتاسر

جبار باغچه بان به خاطر تأسیس اولین کودکستان ایرانی و اولین مدرسه ناشنوایان برای بچه های ایرانی شناخته شده است. او نویسنده کتاب «روش تدریس ناشنوایان» است که در آن روش منحصربه فرد خود در تدریس به ناشنوایان را، که به عنوان «سیستم الفبایی دستی شفاهی» شناخته شده است، توضیح می دهد. او زندگی خودش را وقف آموزش گفتاردرمانی به دانش آموزان ناشنوای ایرانی کرد. اکنون تعداد زیادی از مدارس باغچه بان در سرتاسر ایران برای بچه های ناشنوا وجود دارد.

Abbas Babaei is known as one of the greatest war heroes of Iran. He was an Air Force pilot. During the Iran-Iraq War, he took part in several successful missions to defend our country. Babaei was martyred when he was returning from one of his missions on the day of Qorban Eid.

Air Force	war	take part in	mission	martyr
نیروی هوایی	جنگ	شرکت کردن در	مأموریت	شهید شدن

عباس بابایی به عنوان یکی از بزرگ ترین قهرمانان جنگی ایران شناخته می شود. او خلبان نیروی هوایی بود. در طی جنگ ایران و عراق او در چندین مأموریت موفق برای دفاع از کشورمان شرکت کرد. بابایی هنگام بازگشت از یکی از مأموریت هایش در روز عید قربان به شهادت رسید.

New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

• actually (adv.)	در واقع	• grandchild (n.)	نوه	• pigeon (n.)	کبوتر
• aloud (adv.)	با صدای بلند	• happen (v.)	اتفاق افتادن	• politely (adv.)	مؤدبانه
• burst (v.)	ترکیدن	• heavy (adj.)	سنگین	• practice (v.)	تمرین کردن
• calmly (adv.)	به آرامی	• hug (v.)	بغل کردن	• process (n.)	فرایند، جریان
• common (adj.)	مشترک، رایج	• keep (v.)	نگه داشتن، ادامه دادن	• provide (v.)	فراهم کردن، تأمین کردن
• comprehension (n.)	درک مطلب	• kiss (v.)	بوسیدن	• quantity (n.)	کمیت
• collocation (n.)	همایند، هم نشین	• lap (n.)	پا، بغل، دامان، آغوش	• quiet (adj.)	آرام
• column (n.)	ستون	• later (adv.)	بعداً	• quietly (adv.)	به آرامی
• description (n.)	توصیف	• lovingly (adv.)	بالمحبت	• reason (n.)	دلیل
• develop (v.)	توسعه دادن	• loud (adj.)	بلند	• record (n.) (v.)	ثبت، ثبت کردن
• diary (n.)	دفترچه یادداشت روزانه	• main (adj.)	اصلی، عمده	• repeatedly (adv.)	به طور مکرر
• feed (v.)	غذا دادن به	• native (adj.)	بومی	• reply (v.)	پاسخ دادن
• feeling (n.)	احساس	• normal (adj.)	نرمال، عادی	• respect (n.) (v.)	احترام، احترام گذاشتن
• forgive (v.)	بخشیدن	• once (adv.)	زمانی	• second (n.) (adj.)	ثانیه، دوم
• generate (v.)	تولید کردن	• page (n.)	صفحه	• shout (v.)	فریاد زدن
• generation (n.)	نسل، تولید، ایجاد	• pause (n.)	مکث	• skim (v.)	مرور سریع کردن



• sofa (n.)	مبل	• strategy (n.)	استراتژی، راهبرد	• third (adj.)	سوم
• sound (v.)(n.)	به نظر رسیدن، صدا	• step (n.)	گام	• thought (n.)	اندیشه
• spring (n.)	بهار	• suddenly (adv.)	به طور ناگهانی		
• starter (n.)	شروع کننده	• text (n.)	متن		

Collocations

• sit on the sofa	نشستن روی مبل	• on the other hand	از طرف دیگر	• care for sb	مراقب کسی بودن
• shout at sb	دادزدن سر کسی	• quick meal	غذای آماده	• native speaker	گوینده بومی
• sit on one's lap	نشستن روی پای کسی	• do exercise	تمرین کردن، ورزش کردن	• main ideas	ایده‌های اصلی
• talk politely	مؤدبانه صحبت کردن	• on the right	در سمت راست	• refer to	اشاره داشتن به
• speak calmly	به آرامی صحبت کردن	• hug sb	بغل کردن کسی	• sound right	درست به نظر رسیدن
• keep a diary	ثبت کردن یادداشت‌های روزانه	• feed the pigeons	غذادادن به کبوتران	• fast food	فست‌فود
• read a newspaper	خواندن روزنامه	• speak louder	بلندتر صحبت کردن	• make a mistake	اشتباه کردن
• be hard of hearing	سنگین بودن گوش	• burst into tears	ترکیدن بغض	• on the left	در سمت چپ
• read aloud	بلندخواندن	• be angry with	از دست کسی عصبانی بودن	• look for sth	جست‌وجو کردن
• reading strategy	استراتژی خواندن	• record one's thought	ثبت کردن اندیشه خود	• feel well	حال خوش داشتن
• generate question	ایجاد کردن / ایجاد سؤال	• on a spring morning	در یک صبح بهاری	• hard of hearing	سنگین گوش
• go together	با هم آمدن (همایند بودن)	• open a page	صفحه‌ای را باز کردن	• strong wind	باد قوی (شدید)
		• heavy rain	باران شدید		

Grammar, Listening and Speaking, Writing, What You Learned

• accidentally (adv.)	به طور تصادفی	• doer (n.)	انجام‌دهنده	• laptop (n.)	لپ‌تاپ
• activity (n.)	فعالیت	• during (prep.)	در طی	• language (n.)	زبان
• agreement (n.)	توافق، موافقت	• education (n.)	آموزش، تحصیل	• light bulb (n.)	لامپ روشنایی
• author (n.)	نویسنده	• either ... or ... (conj.)	یا ... یا	• mention (n.) (v.)	تذکر، ذکر کردن، نام بردن
• belong (v.)	تعلق داشتن به	• elicit (v.)	بیرون کشیدن، استنباط کردن	• moral (adj.)	اخلاقی
• belonging (n.)	متعلقات	• emotion (n.)	عاطفه	• on top of (expr.)	در بالای، در صدر
• blessing (n.)	نعمت، برکت	• enjoyable (adj.)	لذتبخش	• ordinary (adj.)	عادی، معمولی، متداول
• bring (v.)	آوردن	• ethic (n.)	اخلاق	• pancake (n.)	نان شیرینی
• boring (adj.)	خسته کننده	• find (v.)	پیدا کردن	• pass (v.)	قبول شدن، گذشتن
• cancer (n.)	سرطان	• fix (v.)	تعمیر کردن	• peaceful (adj.)	صلح آمیز
• childhood (n.)	دوران کودکی	• guideline (n.)	خط مشی، راهنما	• pink (adj.)	صورتی
• choice (n.)	انتخاب	• happen (v.)	اتفاق افتادن	• poet (n.)	شاعر
• collection (n.)	مجموعه	• health (n.)	سلامت، سلامتی	• poetry (n.)	فن شاعری
• combination (n.)	ترکیب	• hate (v.)	تنفرداشتن	• principle (n.)	اصل
• combine (v.)	ترکیب کردن	• heritage (n.)	میراث	• product (n.)	محصول، فرآورده
• comfortable (adj.)	راحت	• hope (v.)	امیدوار بودن	• protect (v.)	محافظت کردن
• compound (adj.)	مرکب	• housewife (n.)	(زن) خانه‌دار	• proud (adj.)	مغرور، مفتخر
• condition (n.)	شرط	• hungry (adj.)	گرسنه	• quite (adv.)	کاملاً
• confirm (v.)	تأیید کردن	• importantly (adv.)	مهم این که، به طور مهم	• rarely (adv.)	به ندرت
• contrast (n.)	تضاد، تقابل	• including (pre.)	من جمله، از قبیل، شامل	• regarding (prep.)	راجع به، در خصوص
• create (v.)	خلق کردن، ایجاد کردن	• inspiration (n.)	الهام	• religious (adj.)	مذهبی
• culture (n.)	فرهنگ	• install (v.)	نصب کردن	• remember (v.)	به خاطر سپردن
• difference (n.)	تفاوت، تمایز	• interestingly (adv.)	جالب این که، به طور جالبی	• replace (v.)	جایگزین کردن
• discover (v.)	کشف کردن	• invent (v.)	اختراع کردن	• result (n.)	نتیجه
• dishwasher (n.)	ظرف‌شور، ماشین ظرفشویی	• inventor (n.)	مخترع	• rule (n.)	مقررات، قانون



• scientist (n.)	دانشمند	• special (adj.)	خاص، ویژه	• value (n.)	ارزش
• serious (adj.)	جدی	• simple (adj.)	ساده	• willing (adj.)	مشتاق
• signal (n.)	علامت	• suitable (adj.)	مناسب	• wear (v.)	پوشیدن
• similar (adj.)	شبیه، یکسان	• technology (n.)	تکنولوژی، فناوری	• weave (v.)	بافتن
• smart (adj.)	هوشمند	• tool (n.)	ابزار	• wonderful (adj.)	شگفت‌انگیز
• solution (n.)	راه‌حل	• translate (v.)	ترجمه کردن	• wrong (adj.)	نادرست، غلط
• sometime (adv.)	گاه‌گاهی	• uncertainty (n.)	عدم اطمینان، تردید		

Collocations

• receive education	دریافت کردن آموزش	• at least	حداقل	• ordinary people	افراد عادی
• translate into	ترجمه کردن به	• make an omelet	املت درست کردن	• write an email	نوشتن ایمیل
• fix the car	تعمیر کردن ماشین	• make a choice	انتخاب کردن	• pass the exam	قبول شدن در امتحان
• find solution	یافتن راه حل	• wear dress	لباس پوشیدن	• signal uncertainty	نشان دادن عدم اطمینان
• passive voice	وجه مجهول	• sense of belonging	حس تعلق	• be wrong with sb/sth	برای کسی / چیزی مشکل پیش آمدن
• smart phone	گوشی هوشمند	• learn by heart	از بر کردن، حفظ کردن	• compound sentence	جمله مرکب
• for instance	به عنوان مثال	• around the world	در سرتاسر جهان	• simple sentence	جمله ساده
• do experiment on	آزمایش کردن روی	• discover penicillin	کشف پنی‌سیلین	• make a difference	تفاوت ایجاد کردن
• computer games	بازی‌های کامپیوتری	• cure cancer	درمان کردن سرطان	• take a rest	استراحت کردن
• mention the doer	ذکر کردن کننده کار	• develop a product	توسعه دادن یک محصول	• be proud of	افتخار کردن به
• weave a carpet	فرش بافتن	• by accident	تصادفی	• sense of identity	حس هویت
• elicit agreement	موافقت گرفتن	• microwave oven	فر ماکروویو	• set of rules	مجموعه مقررات
• confirm facts	تأیید کردن حقایق	• at all	به هیچ وجه، اصلاً		
• health condition	شرایط سلامتی				

Grammar

دستور زبان

وجه مجهول

با شعری از سیمین بهبهانی شروع می‌کنیم:

بچه‌ها صبحتان بخیر، سلام
فعل مجهول چیست می‌دانید؟
«نسبت فعل ما به مفعول است»
جمله معلوم جمله‌ای است که دارای فاعل، فعل (متعدی) و مفعول باشد
می‌رویم سراغ یک شعر از حکیم ابوالقاسم فردوسی که دارای فاعل و فعل و مفعول است:

به روز نبرد آن یل ارجمند
برید و درید و شکست ببست
به شمشیر و خنجر به گرز و کمند
یلان را سر و سینه و پا و دست

مفعول	فعل (متعدی)
سر	برید
سینه	درید
پا	شکست
دست	بست

نکته: فعل‌های لازم هیچ‌گاه مجهول نمی‌شوند چون نیاز به مفعول ندارند.

go	dance	sing	live	be	sound
رفتن	رقصیدن	آواز خواندن	زندگی کردن	بودن	به نظر رسیدن
travel	have	sit	stand	rest	fly
سفر کردن	داشتن	نشستن	ایستادن	استراحت کردن	پرواز کردن



نکته ۲: هر فعل متعدی بدون مفعول، مجهول است.

نکته ۳: اگر کاری را به مفعول نسبت بدهیم، جمله حتماً مجهول است.

طریقه تبدیل معلوم به مجهول

۱ مفعول جمله معلوم را به ابتدای جمله می‌آوریم و در صورت وجود ضمایر فاعلی، آن‌ها را به ضمایر مفعولی تبدیل می‌کنیم.

ضمایر فاعلی	I	you	he - she - it	we	you	they
ضمایر مفعولی	me	you	him - her - it	us	you	them

۲ فعل to be متناسب با زمان جمله معلوم می‌آوریم.

حال ساده	گذشته ساده	آینده ساده	افعال وجهی	ماضی نقلی (حال کامل)	ماضی بعید
am / is / are	was / were	be	be	been	been

۲ قسمت سوم (past participle) فعل اصلی را می‌آوریم.

افعال بی‌قاعده کلیدی و ضروری برای امتحانات نهایی (دانش‌آموزان عزیز، برای تسلط بیشتر لطفاً به لیست کامل این افعال در صفحه ۱۵۹ مراجعه فرمایید.)

ساده	گذشته ساده	اسم مفعول	معنی
know	knew	known	دانستن / شناختن
be (am / is / are)	was / were	been	بودن
learn	learnt / learned	learnt / learned	یاد گرفتن
make	made	made	ساختن، وادار کردن
break	broke	broken	شکستن
find	found	found	پیدا کردن
write	wrote	written	نوشتن
buy	bought	bought	خریدن
read	read	read	خواندن
do	did	done	انجام دادن
pay	paid	paid	پرداختن
see	saw	seen	دیدن
tell	told	told	گفتن
go	went	gone	رفتن
fly	flew	flown	پرواز کردن
give	gave	given	دادن
have / has	had	had	داشتن / خوردن
grow	grew	grown	رشد کردن / شدن
keep	kept	kept	نگهداشتن / ادامه دادن
speak	spoke	spoken	صحبت کردن
steal	stole	stolen	دزدیدن
forget	forgot	forgotten	فراموش کردن
take	took	taken	بردن / طول کشیدن
get	got	got / gotten	شدن / به دست آوردن
eat	ate	eaten	خوردن
fall	fell	fallen	افتادن
quit	quit / quitted	quit / quitted	ترک کردن / تسلیم شدن





ترجمه:

- اگر شما درس‌هایتان را خیلی جدی بخوانید، شما آن‌ها را با موفقیت می‌گذرانید، این‌طور نیست؟
 - شیرین به ما کمک می‌کند، اگر از او بخواهیم، این‌طور نیست؟
- نکته ۴:** اگر قبل از جمله اصلی توضیح بیشتری را بیاوریم در سؤال تأکیدی استفاده نمی‌شود.

مثال:

• I am sure Reza will pass the exam, won't he?

تأییری در سؤال
تأکیدی ندارد

ترجمه:

- من مطمئن هستم رضا در امتحان قبول خواهد شد، مگر نه؟
- نکته ۵:** هر فعلی که در سوم شخص مفرد {he / she / it} دارای s یا es نباشد زمان گذشته ساده است.

مثال:

• Roya read the book carefully, didn't she?

(زمان گذشته)

ترجمه: رویا کتاب را با دقت خواند، مگر نه؟

نکته ۶: اگر یکی از کلمات مبهم something / anything / everything / nothing در جمله وجود داشته باشد در سؤال تأکیدی از ضمیر it استفاده می‌کنیم.

چیزی هر چیز هر چیز هیچ چیز

مثال:

• Something should be done about airpollution, shouldn't it?

ترجمه:

- چیزی باید درباره آلودگی هوا انجام شود، مگر نه؟
- نکته ۷:** مخفف‌ها در جملات تأکیدی

مثال:

✓ 's + p.p یا فعل + ing ⇒ is

• She's taken to school every day, isn't she? (جمله مجهول)

• She's watching TV, isn't she? (جمله معلوم)

- او هر روز به مدرسه برده می‌شود، مگر نه؟

✓ 'd + فعل ساده ⇒ would

• They'd like to learn French, wouldn't they?

- او در حال تماشا کردن تلویزیون است، مگر نه؟

✓ 'd + p.p (past participle) ⇒ had + p.p

• She'd moved to Japan, hadn't she?

- آن‌ها دوست دارند زبان فرانسه را یاد بگیرند، مگر نه؟

- او به ژاپن نقل مکان کرده بود، مگر نه؟

Writing

نگارش

جملات مرکب

حروف ربط عبارات اند از: (and, but, or, so)

حروف ربط برای پیوند دادن دو جمله ساده به کار می‌روند. (جمله دوم + حرف ربط + کاما + جمله اول)

۱ حرف ربط **and** (و): برای بیان کارهای مشابه استفاده می‌شود.

مثال:

- I get up early in the morning. I make an omelet myself.
- I get up early in the morning, and I make an omelet myself.

ترجمه:

- من صبح زود بیدار می‌شوم. من برای خودم املت درست می‌کنم.
- من صبح زود بیدار می‌شوم و برای خودم املت درست می‌کنم.



۲ حرف ربط **but** (اما): برای بیان تضاد و تفاوت استفاده می‌شود. (یعنی جمله دوم در تضاد با جمله اول است.)

مثال:

- The book was boring. Tom had to read the book.
- The book was boring, but Tom had to read it.

ترجمه:

- کتاب خسته‌کننده بود. تام مجبور بود کتاب را بخواند.
- کتاب خسته‌کننده بود، اما تام مجبور بود آن را بخواند.

۳ حرف ربط **or** (یا): برای انتخاب یک مورد از بین دو گزینه استفاده می‌شود.

مثال:

- You should do your homework. You should wash the dishes.
- You should do your homework, or (you should) wash the dishes.

ترجمه:

- شما باید تکالیفتان را انجام دهید. شما باید ظرف‌ها را بشویید.
- شما باید تکالیفتان را انجام دهید، یا شما باید ظرف‌ها را بشویید.

۴ حرف ربط **so** (در نتیجه): بیانگر این است که جمله دوم نتیجه جمله اول است.

مثال:

- Saeed studied hard for the exam. Saeed passed the exam.
- Saeed studied hard for the exam, so he passed it.

ترجمه:

- سعید برای امتحان جدی مطالعه کرد. سعید امتحان را پاس کرد.
- سعید برای امتحان جدی مطالعه کرد، در نتیجه او آن را پاس کرد.

Exam Questions

سوالات امتحانی

Title Page, Get Ready, Conversation

۱ در هر بخش جاهای خالی جملات را با کلمات داده‌شده کامل کنید. (در هر بخش، یک کلمه اضافی است.)
(advice / elderly / lower / pressure / sense / strength / successful)

1. He was under _____ to do his homework.
2. Please _____ your voice. I am busy studying.
3. Teenagers who help others are _____ in their lives.
4. We should help _____ people in doing their daily activities.
5. Listening to the _____ of older people can improve our lives.
6. Roya has a good _____ of appreciation. That's why her parents love her.
(appropriate / behavior / donate / function / kindness / improve / increase)
7. We must _____ blood to those who need it.
8. The _____ of the heart is to send blood all over the body.
9. We need to _____ our living conditions to the highest level.
10. We should learn the social _____ of the people who speak a language.
11. Did you know that _____ boosts energy and strength in elderly people?
12. They are going to _____ the working hours from 35 to 40 hours in the near future.
(cruel / famous / member / polite / positive / respect / take care of)
13. He is an active _____ of our club.
14. It is _____ to keep the birds in the cages.
15. He is a _____ person. All the people know him.
16. If teachers _____ their students, they will learn to do so.
17. It is not _____ to ask how much money one earns in English.
18. My mother told us to _____ ourselves while climbing the mountain.



(abroad / center / guess / lazy / physician / temperature / terrible)

19. Dr. Hesabi went _____ to continue his studies.
20. Most of the people like to be at the _____ of attention.
21. The highest _____ is reported from Ahvaz during the past 24 hours.
22. He caught a(n) _____ flu , so he couldn't attend his English class.
23. Can you _____ which football team will win the final game?
24. Dr. Gharib became a(n) _____ , and came back to his homeland in 1316.

(dedicated / found / lovely / regarded / sure / receive / unconditionally)

25. Parents love their children _____ .
26. At what age did you _____ your diploma?
27. Not surprisingly, he was regarded as a _____ physician.
28. Did Dr. Gharib _____ the first Children's Medical Center in Iran?
29. She said that her _____ son repeated the same question 15 times.
30. They were _____ that they would pass their final exam successfully.

در هر بخش با توجه به تصاویر داده‌شده، جملات زیر را بخوانید و جمله مناسب برای هر تصویر را انتخاب کنید. (در بخش دوم، یک جمله اضافی است.)



31. Children should respect their parents.
32. We have to take care of elderly people.
33. Family members should listen to each other.
34. We can help many people by donating what they need.



35. Family members are interested in studying.
36. The brain can record a large amount of information.
37. This Persian textbook reminds me of school years.
38. Kindness boosts energy and strength in elderly people.
39. The man needs to be taken care of because of backache.

برای هر تعریف داده‌شده در ستون A، یک کلمه از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک کلمه اضافی است.)

A	B
40. how hot or cold a thing or a place is	a) blood
41. an understanding about something	b) teenager
42. the middle point or part of something	c) temperature
43. a course of study at a college or university	d) medicine
44. a person who is between 13 and 19 years old	e) physician
45. a doctor, especially one who is a specialist in general medicine	f) center
46. the red liquid that flows through the bodies of humans and animals	g) diploma
	h) sense



مناسب‌ترین گزینه را انتخاب کنید. ۴

47. He got _____ scores than the other students in her class. That's why he is unhappy.
a) better b) higher c) lower d) nicer
48. They have _____ the prices in this store.
a) destroyed b) donated c) cared d) increased
49. Parents should be _____ by their children.
a) respected b) selected c) followed d) checked
50. They are trying to _____ their living conditions.
a) describe b) improve c) appreciate d) function
51. She doesn't feel well. We must _____ her temperature.
a) get b) make c) do d) take
52. The first children's medical _____ was founded by Dr. Gharib in 1347.
a) center b) textbook c) disease d) research
53. This school was built by a _____ man. He donated \$ 100, 000.
a) serious b) generous c) famous d) cruel
54. He _____ no pains to help his countrymen who were in bad conditions.
a) spared b) cured c) regarded d) received
55. Thousands of students are taught _____ by this distinguished physician.
a) diploma b) disease c) medicine d) temperature

Collocations

جاهای خالی جملات زیر را با در نظر گرفتن کلمات هم‌نشین کامل کنید. (حرف اول و تعداد حروف مشخص شده است). ۵

56. We have to speak louder, because my grandfather is h - - - of hearing. (خرداد ۹۸)
57. Dr. Gharib was regarded as a d - - - - - physician and he spared no pains to help sick people. (خرداد ۹۸)
58. Some animals like dogs have a very good s - - - - of smell. (دی ۱۴۰)
59. He has a good m - - - - . He never forgets anything.
60. The teacher told us to answer the questions o - - - - , not in written form.
61. He was taken to the hospital because of his high b - - - - pressure.
62. **Ailin:** Are you s - - - about it?
Maha: No, I'm only guessing.
63. We must take care of e - - - - - people. They need care and attention.
64. The team m - - - - - promised to do their best to win the match.
65. Have you seen Dr. Gharib TV s - - - - -?
66. The teacher asked us to m - - - - the pictures with the sentences.
67. Who takes c - - - of your children when you are out at work?
68. The doctor t - - - my temperature and said there was no problem.

New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

در هر بخش جاهای خالی جملات را با کلمات داده‌شده کامل کنید. (در هر بخش، یک کلمه اضافه است)
(diary / forgive / calmly / record / repeatedly / tears / thought) ۶

69. I have kept a _____ for twelve years.
70. Please _____ me for not taking you seriously.
71. The brain can _____ a large amount of information.
72. My sister burst into _____ when she saw her score.
73. I've told my children _____ to talk politely to their teachers.
74. He spoke so _____ about the accident that we were surprised.
(actually / keep / lovingly / quietly / reply / shout)
75. The old woman hugged her son _____ .
76. I said good morning to him, but he didn't _____ .
77. He left the meeting _____ without saying anything.
78. It isn't necessary to _____ . My ears are as good as yours.
79. Why do you _____ asking me the same question repeatedly?



143. I had no why he left the meeting without saying goodbye.
a) skill b) idea c) nature d) way
144. The question by the teacher was hard to answer.
a) matched b) combined c) provided d) skimmed
145. If you don't send me the, I can't attend the meeting.
a) attention b) appreciation c) function d) location
146. It is not to read in a dark room.
a) important b) necessary c) possible d) meaningful
147. A collocation is two or more words that often together.
a) go b) do c) stay d) get

Reading

Respect Your Parents

On a spring morning, an old woman was sitting on the sofa in her house. Her young son was reading a newspaper. Suddenly a pigeon sat on the window.

148. What season was it?
149. Where was the old woman sitting?
150. What was her young son doing?
151. Where did the pigeon sit?

The mother asked her son quietly, "What is this?" The son replied: "It is a pigeon". After a few minutes, she asked her son for the second time, "What is this?" The son said, "Mom, I have just told you, It is a pigeon, a pigeon". After a little while, the old mother asked her son for the third time, "What is this?" This time the son shouted at his mother, "Why do you keep asking me the same question again and again? Are you hard of hearing?"

152. What does "this" refer to?
153. How many times did the old woman ask the same question?
154. Why did the boy shout at his mother?

A little later, the mother went to her room and came back with an old diary. She said, "My dear son, I bought this diary when you were born". Then, she opened a page and kindly asked her son to read that page. The son looked at the page, paused and started reading it aloud:

155. Where did the old woman go?
156. What did she bring?
157. When did she buy the diary?
158. What did the old woman ask her son to do?
159. How did the boy read the diary?

Today my little son was sitting on my lap, when a pigeon sat on the window. My son asked me what it was 15 times, and I replied to him all 15 times that it was a pigeon. I hugged him lovingly each time when he asked me the same question again and again. I did not feel angry at all. I was actually feeling happy for my lovely child.

160. Where was the little son sitting?
161. How many times did the old woman answer her son's question?
162. How did she hug her son?
163. Was the son's mother angry with him because of the questions?

Suddenly the son burst into tears, hugged his old mother and said repeatedly, "Mom, mom, forgive me; please forgive me." The old woman hugged her son, kissed him and said calmly, "We must care for those who once cared for us. We all know how parents cared for their children for every little thing. Children must love them, respect them, and care for them".

164. Who burst into tears?
165. Did he ask his mother to forgive him?
166. What did his mother do?
167. What did his mother say?



درک مطلب کوتاه

۱۲ متن هر قسمت را بخوانید و با توجه به مفهوم، گزینه صحیح را انتخاب کنید.

Elders have a lot to share with us such as their life experiences, their failures, their successes and many more. Thus, we need to care for them because they deserve to be cared for. Respect and care for elders start with our parents as they are our first teachers in our life.

168. We have to care for our elders because

(خرداد ۱۴۰۲)

- a) their failures are less important
- b) they respect us as their teachers
- c) they share their life experience with us
- d) their successes are not important

169. If today we respect our elders, our present and future generations will carry those values and will learn to respect us as well when we grow old.

(شهریور ۱۴۰۲)

- a) Children carry more values than elders.
- b) Elders respect us more than children.
- c) Children will carry elders when they grow old.
- d) When we respect elders, our children learn to respect us.

● ● ● ● Grammar , Listening and Speaking , Writing , What You Learned ● ● ● ●

۱۳ در هر بخش جاهای خالی جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (در هر بخش، یک کلمه اضافی است.)

(author / collection / countless / heart / inspiration / poets / special)

170. Do you know which has written "The Old Man and the Sea"?

171. Hafez is known to be as one of the most famous Persian of all time.

172. Hafez is mostly remembered for a type of poetry that is called Ghazal.

173. Ferdowsi is known to be the for many poets and authors around the world.

174. Tahereh Saffarzadeh began to learn the Holy Quran by when she was 8 years old.

175. The Holy Quran has been translated into languages including German, English and French.

(create / cure / discover / ordinary / product / solution / spare)

176. This kind of laptop is a new of China.

177. Scientists are not people like you and me.

178. Scientists have not found a way to cancer yet.

179. Did Alexander Fleming penicillin or someone else ?

180. They want to more jobs for the young people in this area.

181. The teacher wanted to know who knew the to that math problem.

(agreement / condition / confirm / elicit / uncertainly / weave / wrong)

182. What's with you? Are you sick?

183. My brother will what I have told you.

184. She said she was in quite with what I did.

185. It took her a long time to that pretty carpet.

186. He was in good, although he was 95 years old.

187. He answered her question quite He was not sure about it.



Collocations

۱۴ کلمات ستون A را به کلمات مناسب از ستون B وصل کنید. (کلمات هم‌نشین)

A		B
188. receive	<input type="radio"/>	a) a solution
189. learn	<input type="radio"/>	b) a product
190. sense	<input type="radio"/>	c) cancer
191. find	<input type="radio"/>	d) accident
192. cure	<input type="radio"/>	e) education
193. develop	<input type="radio"/>	f) oven
194. by	<input type="radio"/>	g) the exam
195. microwave	<input type="radio"/>	h) agreement
196. pass	<input type="radio"/>	i) of identity
197. elicit	<input type="radio"/>	j) by heart

۱۵ کلمات ستون A را به کلمات ستون B وصل کنید. (کلمات هم‌نشین)

A		B
198. future	<input type="radio"/>	a) condition
199. compound	<input type="radio"/>	b) a dictionary
200. wear	<input type="radio"/>	c) proud of
201. comfortable	<input type="radio"/>	d) of belonging
202. be	<input type="radio"/>	e) of rules
203. sense	<input type="radio"/>	f) a dress
204. a set	<input type="radio"/>	g) a failure
205. install	<input type="radio"/>	h) plans
206. experience	<input type="radio"/>	i) shoes
207. health	<input type="radio"/>	j) sentences

۱۶ جاهای خالی جملات زیر را با استفاده از دانش خود به انگلیسی کامل کنید. (حرف اول و تعداد حروف مشخص شده است.)

208. I h - - - John because he is selfish.
 209. "But" is used for showing c - - - - - .
 210. I am w - - - - - to help you with English.
 211. He was so h - - - - that he ate three bowls of soup.
 212. They found a peaceful s - - - - - to the problem.
 213. The i - - - - - of the dead man is not known by the police.
 214. We have much to learn from our parents r - - - - - our heritage.
 215. The r - - - - of the research shows that housewives are the biggest group of TV viewers.

۱۷ مناسب‌ترین گزینه را از نظر مفهومی انتخاب کنید.

216. Emotions and _____ are used in Ghazals by Hafez a lot.
 a) ethics b) tablets c) tools d) rules
217. This poet drew his _____ from nature.
 a) conversation b) development c) inspiration d) translation
218. Did you know that radio was _____ by an Italian scientist called "Marconi"?
 a) discovered b) invented c) matched d) selected
219. Which communication power _____ do you use when making a speech?
 a) texts b) points c) choices d) tools



220. Mr. Ahmadi is a man. He knows the Holy Quran by heart.
a) serious b) religious c) special d) countless
221. The system in Finland is the best one in the world, because their students enjoy learning.
a) collection b) emotion c) education d) poetry
222. It is a(n) that he knows several languages.
a) blessing b) heritage c) guideline d) belonging
223. There is a weak that he can help us.
a) attendance b) difference c) combination d) possibility
224. The doctors are his health conditions. I hope it isn't something serious.
a) checking b) explaining c) mentioning d) following
225. These tests are based the vocabulary, not grammar.
a) in b) at c) on d) of

Grammar

226. The robber by the police yet. (find) ۱۸ شکل صحیح افعال داخل پرانتز را بنویسید.
227. I have two birds. They in the cage. (keep)
228. Pancakes by my mother yesterday. (make)
229. Hafez throughout the world, isn't he? (know)
230. Blood pressure is by helping the others. (lower)
231. My mother was lunch when we got home. (cook)
232. Mina: Did they find the keys? Salma: Yes, the keys (find)
233. A: Did Ali break the window? B: No, it by Reza while playing football. (break)

۱۹ کلمات در هم ریخته زیر را به صورت جملات معلوم و مجهول بنویسید.

234. me / for / my mom / breaking the vase / forgave / .
Active: Passive:
235. for / she / 50 years / has / a diary / kept / .
Active: Passive:
236. do / where / park / their car / they / ?
Active: Passive:
237. takes / to school / his children / Mr. Brown / everyday / .
Active: Passive:
238. a new medicine / doctors / to cure cancer / have made / .
Active: Passive:

۲۰ با توجه به تصاویر زیر به سوالات پاسخ دهید.



239. Has the blackboard been cleaned?
240. What language is spoken in this country?
241. Who has painted this picture? It by Leonardo da Vinci.
242. This animal yesterday. (hunt)



۲۱ متن زیر را بخوانید و شکل صحیح افعال داخل پرانتز را بنویسید.

Many products 243. (develop) each year. Light bulb, camera, airplane, and telephone 244. (invent) by scientists and inventors. Laptops, smart phones, and tablets 245. (make) by lots of work. But not all products 246. (develop) by hard work. Some inventions 247. (create) by accident or scientists' mistakes. Penicillin, for instance, 248. (discover) quite accidentally when Alexander Fleming 249. (work) on bacteria. Microwave oven also 250. (invent) during a scientist's experiment on energy. More interestingly, some tools and technologies 251. (not invent) by scientists at all. Some like dishwashers and computer games 252. (make) by ordinary people like workers, housewives and school students.

۲۲ مناسب‌ترین گزینه را انتخاب کنید.

253. The new book two days ago.
 a) was posted b) posted c) was posting d) has posted
254. She to speak Chinese before she moved to China.
 a) had taught b) was taught c) taught d) will be taught
255. Alexander Fleming penicillin many years ago.
 a) was discovering b) discovered c) has discovered d) had discovered
256. Tom to be a brave soldier.
 a) knows b) knowing c) is known d) has known
257. The students a new lesson tomorrow.
 a) will be teaching b) will teach c) are going to teach d) will be taught
258. These cars haven't since 2010.
 a) use b) used c) been used d) been using
259. We to their party last Monday.
 a) invited b) have invited c) were inviting d) were invited
260. This watch very well since last year.
 a) works b) worked c) is worked d) has worked
261. His brother near the park last night.
 a) found b) was found c) has found d) finds
262. A: Why they the lion?
 B: Because it was going to attack them.
 a) did – kill b) were – kill c) were – killed d) were – killing

۲۳ قسمت انتهایی جملات زیر را کامل کنید.

263. Mina is happy, ?
264. He's writing an email, ?
265. George wasn't hungry, ?
266. The girls were weaving a carpet, ?
267. They are going to Hamedan, ?
268. His father won't buy a new car, ?
269. The boys have broken the window, ?
270. Your sister has passed the exam, ?
271. I've heard he's sick, ?
272. It isn't something serious, ?
273. They are going to leave here, ?
274. This cannot be true, ?
275. John never drives carelessly, ?
276. The students came late, ?
277. Mina hurt herself, ?

۲۴ شکل صحیح افعال داخل پرانتز را بنویسید.

278. My friends to help me in any way, weren't they? (try)
279. They shopping, won't they? (go)
280. They their lunch yet, have they? (have)
281. They a carpet, aren't they? (weave)

(شبه نهایی اردیبهشت ۱۴۰۲ - زاهدان)



330. They will buy a new house, _____? (شهریور ۹۹)
 a) won't he b) won't they c) will they d) will he
331. Your sister has passed the exam, _____? (دی ۹۹)
 a) didn't she b) hasn't she c) didn't you d) has she
332. Hamid doesn't say a bad word, _____? (انسانی، ریاضی، تجربی - خرداد ۱۴۰۰) پرتکرار
 a) did Hamid b) does he c) doesn't Hamid d) isn't he
333. His sister never behaves politely, _____? (شهریور ۱۴۰۱)
 a) does she b) doesn't she c) does he d) doesn't he
334. A: Hamid has not come to school. I've heard he is not well, _____?
 B: Oh, yes. He has got the flu. (خرداد ۱۴۰۱)
 a) has he b) have I c) hasn't Hamid d) is he
335. My father will buy a new car, _____? (دی ۱۴۰۱)
 a) will my father b) won't he c) will he d) won't my father
336. Leila never forgets to call you, _____? (خرداد ۱۴۰۲)
 a) does she b) doesn't she c) doesn't Leila d) does Leila
337. Amir didn't paint the wall himself, _____? (شهریور ۱۴۰۲)
 a) did he b) did Amir c) was he d) wasn't Amir
338. Nahid _____ the room, won't she? (شهریور ۱۴۰۲)
 a) is cleaning b) will clean c) won't clean d) cleans



برای مشاهده فایل های صوتی، رمزینۀ مقابل را اسکن کنید.

Listening and Speaking

- 29 دانش آموز عزیز! به فایل صوتی شماره ۱ به دقت گوش دهید و سپس پاسخ صحیح را از بین گزینه‌های داده شده انتخاب کنید. (دی ۹۹)
339. Who are our elders?
 a) mothers and fathers b) fathers c) mothers d) doctors
340. A: What do our elders teach us? B: They teach us how to _____.
 a) accept and learn b) love and care c) forgive and remember d) learn an answer
341. We have a responsibility to learn from their _____.
 a) pain b) situation c) wish d) wisdom
- 30 دانش آموز عزیز! به فایل صوتی شماره ۴ به دقت گوش دهید و مکالمه زیر را با کلمه‌های صحیح کامل کنید. (دی ۹۹)
- A: The programs on TV these days are the 342. _____. Even with the hundred channels to 343. _____ from, everything is 344. _____.
- B: You're 345. _____ about that! I think it is because most TV programs are written for 346. _____. There is nothing for older people to 347. _____.
- 31 دانش آموز عزیز! در این بخش به مکالمه بین سارا و پرستار گوش کنید و سپس جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید. (دی ۱۴۰۰)
- Sara: It is so good that there are famous physicians in your hospital.
 Nurse: Do you know Iran has always had great physicians and doctors and has been rich in 348. _____?
 Sara: It sounds interesting. Can you name some of them? I'd like to know them.
 Nurse: Back in 349. _____, we can mention Avicenna.
 Sara: Avicenna! Can you tell me more about him?
 Nurse: Yeah, of course! He was a great 350. _____ physician. He has written two great books. His 351. _____ is a source of inspiration for many people.
 Sara: That's so nice. I think I'll ask my dad to 352. _____ us to Hamedan this summer.
 Nurse: Yeah, I think that will be an exciting trip!

۳۶) دانش‌آموزان عزیز، در این بخش به مکالمه بین سوفیا و جیمز گوش دهید. سپس گزینه صحیح را انتخاب نمایید. (دی ۱۴۰۱)

382. James went to the _____ for holiday.

- a) Southwest of Asia
b) Northwest of Asia
c) Southeast of Asia
d) Northeast of Asia

383. James went to Singapore for its _____.

- a) beauty and culture
b) beauty and history
c) history and art
d) history and culture

384. James went to Singapore by _____.

- a) train
b) airplane
c) bus
d) ship

385. James took the following items except _____.

- a) clothes
b) money
c) a digital camera
d) a dictionary

۳۷) دانش‌آموز عزیز، در این بخش، بهزاد از امین سؤالاتی در مورد «کار و سلامتی» می‌پرسد. به مکالمه بین آن‌ها گوش دهید. سپس جملات صحیح را با (True) و جملات غلط را با (False) مشخص نمایید. (خرداد ۱۴۰۲)

386. Amin is working on a new project. (True/False)

387. Health is more important than work for Amin. (True/False)

388. Behzad thinks that money is on top of everything. (True/False)

۳۸) دانش‌آموز عزیز، در این بخش به مکالمه بین خانم و آقا گوش دهید و سپس گزینه صحیح را انتخاب نمایید. (خرداد ۱۴۰۲)

389. The man and woman like _____.

- a) pizza
b) sandwich
c) seafood

390. The man thinks that "1984" _____.

- a) is hard to read
b) is beautiful to watch
c) gives a lot to think about

391. The man's favorite sport is _____.

- a) skating
b) swimming
c) skiing

392. "Everything is still quiet", it is the reason why the man likes _____.

- a) sunrise
b) sunset
c) morning

۳۹) دانش‌آموز عزیز، به مکالمه بین مشتری و پیشخدمت در رستوران با دقت گوش دهید و جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید. (خرداد ۱۴۰۲)

Customer: Could I have a menu?

Waiter: Yes, here it is. Would you like something to drink?

Customer: I would like 393. _____, please.

Waiter: Are you also 394. _____ to order?

Customer: Yes, I would like the 395. _____, please.

Waiter: Anything 396. _____?

Customer: No, thank you.

Waiter: Enjoy your 397. _____.

Writing

۴۰) جملات زیر را با and و but کامل کنید.

398. We went to the park yesterday, _____ we had a wonderful time.

399. Behnam's family went to the zoo last week, _____ they did not enjoy it.

400. Susan has a pink dress, _____ she never wears it.

401. Kate saw Sofia, _____ she didn't speak to her.

402. My English class is really enjoyable, _____ I have a lot of homework.

۴۱) جملات زیر را با or یا so کامل کنید.

403. My mother doesn't like fast food, _____ she doesn't eat any.

404. I can go out tonight, _____ I can take a rest.

405. We can eat our lunch at the restaurant, _____ we can have it at home.

406. That dictionary is expensive, _____ I can't buy it.

407. This dress is not comfortable, _____ she rarely wears it.



(خررداد ۹۹ - علوم انسانی و معارف اسلامی)

۵۴ جملات مناسب برای ستون A را از ستون B انتخاب کرده و در پاسخ نامه بتویسید.

A	B
466. You can use a mobile dictionary, or	a) I didn't have your number.
467. The roads were covered with ice, so	b) I looked out.
468. I wanted to call you, but	c) you can buy a pocket one.
469. I went to the window, and	d) it was not safe to drive.

۵۵ گزینه صحیح را انتخاب نمایید.

470. Melika took the cat,

- a) and she put it in the box
c) but it was too busy

- b) so it climbed the tree
d) or she was too late

(دی ۱۴۰۱)

471. The restaurant wasn't very nice,

- a) and I had a very good time there
c) so I rarely cook well

- b) or I can stay at home tonight
d) but its food was very good

(دی ۱۴۰۱)

472. I spent three hours in the gym,

- a) and I'm not a good play player
c) but I'm hungry

- b) so I'm really tired now
d) or I leave it now

(خررداد ۱۴۰۲)

473. There are a lot of clouds in the sky,

- a) but it's going to rain
c) or you can go outside

- b) so it's very funny
d) and you can't see the sun

(خررداد ۱۴۰۲)

474. My parents enjoy working in the garden,

- a) so they are sad
c) and they grow vegetables there

- b) or their garden is beautiful
d) but they like their garden

(شهریور ۱۴۰۲)

475. Mahyar must choose. He can watch TV,

- a) and he can go abroad
c) but he can play the piano

- b) so he can pass the exam
d) or he can sleep

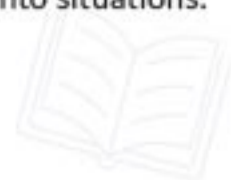
(شهریور ۱۴۰۲)

What You Learned

دانش آموز عزیز، بخشی از این متن در کتاب درسی قید نشده. ما یواشکی قسمت جافتاده رو بر اتون آوردیم (بین خودمون بمونه). شما کل متن رو بخونید. احتمال داره در آینده هم به عنوان متن شنیداری بیاد و هم به عنوان درک مطلب. متن رو ترجمه می‌کنیم و چندتا سوال می‌دیم. چندین بار این متن رو بخونید.

۵۶ متن زیر را بخوانید و به سوالات داده شده پاسخ دهید.

Dr. Asadi is answering this important question: "why is it important to care for our elders?" I think first of all we need to remember that they are our mothers and fathers, and our first teachers. They teach us how to love, how to care, how to forgive, and how to accept. Second, elders have more knowledge and wisdom than any one of us. They've come so far and they've learned so much, we have a responsibility to learn from that wisdom. But the most important thing is their experience. We may or may not know of all the ups and downs they've faced in life but they've definitely gained experience that is worth respecting and learning from. Our elders may hide much pain from us because they don't want us to feel the pain, the least we can do is to appreciate them for all they've gone through and learn from their insight into situations.



Yet another important thing is our heritage and culture. We have much to learn from our parents regarding our heritage, to be proud of our past. This heritage and history brings a sense of belonging. Most importantly, it brings us a sense of identity of our past and the responsibility to protect it for our future generations.

What I can add at the end is the role of our parents' morals, values, and principles in our lives. Our elders have either learned, created or have been brought up with a set of morals, values and principles in their lives. Our elders want the best for us and they are willing to tell us what set of rules and guidelines have made them successful, and hopeful, peaceful.

476. Why is it important to respect and care for our elders?

477. What does the underlined word "they" refer to?

478. Why is our heritage important?

479. What should we do about our culture and heritage?

480. What do our parents do for us?

متن های تالیفی و امتحانات نهایی

(شهریور ۹۸)

۵۷ متن زیر را بخوانید و به سوالات داده شده هر قسمت پاسخ دهید.

Respect is a way of acting well or thinking highly about something or someone. You respect those who are important to you. You show your respect by being polite and kind. When you are impolite or act badly toward people, they may feel sad or angry. But whom should you respect the most?

You must care for those who always care for you. You know that your parents care for you for every little thing. You must love them, respect them, and care for them. Besides bringing you into the world, your parents spend their time, energy, and strength to make sure that you have what you need or want. Telling them that you thank them reflects the level of your respect for them.

The easiest way to show your love and respect is to tell them that you appreciate who they are and what they do. You can also do something small but meaningful, for example, wash the dishes, clean the kitchen after dinner or clean the rooms. Your parents will pay attention to and appreciate your acts of kindness. You may also tell your mom how well she cooks, or tell your dad how great he is at his job. For most of parents, any of these small things can be a sign of respect.

True / False

481. We respect those who are important to us for some reasons.

482. If you are impolite or act badly toward people, they feel important.

Choose the best answer.

483. We show our _____ by being polite to those we care for.

- a) need b) strength c) happiness d) respect

484. Telling your parents that you thank them _____ the level of your respect for them.

- a) reflects b) invents c) imagines d) shouts

Answer the questions.

485. What is the easiest way to show your love and respect to your parents?

486. Can doing good small things show your respect to your parents? (Give an example.)

(خرداد ۹۸)

۵۸ متن زیر را بخوانید و به سوالات آن پاسخ دهید.

Some people prefer to provide help and support directly to those in need. However, others prefer to give money to national and international charity organizations. Giving money to those in need can be a personally good experience, but there is a choice between donating nationally and internationally through charities or giving directly to those around you. One of the advantages of providing direct support is that you can know exactly how your money is spent. Another benefit is that you can see the impacts on those you are helping, which can lead not only to great personal happiness but also to respect from others who appreciate the work you do.

درس اول

کتاب دانش آموز

۲۴. (a): ما می توانیم به بسیاری از مردم با هدیه کردن آنچه نیاز دارند کمک کنیم.
 ۲۵. (c): اعضای خانواده به مطالعه کردن علاقه مند هستند.
 ۲۶. (a): مغز می تواند مقدار زیادی از اطلاعات را ثبت کند.
 ۲۷. (d): این کتاب درسی فارسی سال های مدرسه را برای من تداعی می کند.
 ۲۸. مهربانی انرژی و توان را در افراد سالمند تقویت می کند. (این جمله اضافی است).
 ۲۹. (b): این مرد به خاطر کمر دردش نیاز دارد مورد مراقبت قرار بگیرد.
 ۴۰. temperature: این که یک شیء یا یک مکان چه قدر داغ یا سرد است. (درجه حرارت)
 ۴۱. sense: درک و فهم درباره چیزی (حس)
 ۴۲. center: نقطه یا بخش میانی در چیزی (مرکز)
 ۴۳. diploma: دوره مطالعاتی در دانشکده یا دانشگاه (دیپلم)
 ۴۴. teenager: کسی که بین ۱۳ تا ۱۹ سال دارد. (نوجوان)
 ۴۵. physician: پزشکی که متخصص طب عمومی است. (پزشک)
 ۴۶. blood: مایع قرمز رنگی که در بدن انسان ها یا حیوانات در جریان است. (خون)
 ۴۷. پاسخ صحیح گزینه C است.
 او نمرات پایین تری نسبت به دانش آموزان دیگر در کلاس گرفت. به همین دلیل ناراحت است.
 گزینه ها به ترتیب عبارت اند از: بهتر - بالاتر - کمتر - قشنگ تر
 ۴۸. پاسخ صحیح گزینه d است.
 آن ها قیمت ها را در این مغازه افزایش داده اند.
 گزینه ها به ترتیب عبارت اند از: از بین بردن - اهدا کردن - اهمیت دادن - افزایش دادن
 ۴۹. پاسخ صحیح گزینه a است.
 والدین باید مورد احترام بچه های شان باشند.
 گزینه ها به ترتیب عبارت اند از: احترام گذاشتن - انتخاب کردن - پیروی کردن - کنترل کردن
 ۵۰. پاسخ صحیح گزینه b است.
 آن ها دارند تلاش می کنند تا شرایط زندگی شان را بهبود ببخشند.
 گزینه ها به ترتیب عبارت اند از: توصیف کردن - بهبود بخشیدن - قدر دانی کردن - عمل کردن
 ۵۱. پاسخ صحیح گزینه d است.
 او حال خوشی ندارد. ما باید دمای او را (اندازه) بگیریم.
 توضیح: take one's temperature به معنای «دمای بدن کسی را گرفتن» است.
 ۵۲. پاسخ صحیح گزینه a است.
 اولین مرکز پزشکی بچه ها در سال ۱۳۴۷ توسط دکتر قریب تأسیس شد.
 گزینه ها به ترتیب عبارت اند از: مرکز - کتاب درسی - بیماری - تحقیق
 ۵۳. پاسخ صحیح گزینه b است.
 این مدرسه توسط یک مرد سخاوتمند ساخته شد. او صد هزار دلار اهدا کرد.
 گزینه ها به ترتیب عبارت اند از: جدی - سخاوتمند - مشهور - ظالم
 ۵۴. پاسخ صحیح گزینه a است.
 او از هیچ کوششی برای کمک به هموطنانش که در شرایط بدی بودند دریغ نکرد.
 توضیح: spare no pain به مفهوم «از هیچ کوششی دریغ نکردن» است.
 ۵۵. پاسخ صحیح گزینه C است.
 (رشته) پزشکی به هزاران دانشجو توسط این پزشک برجسته آموزش داده می شود.
 گزینه ها به ترتیب عبارت اند از: دیپلم - بیماری - پزشکی - درجه حرارت
 ۵۶. hard: ما باید با صدای بلندتر صحبت کنیم. چون پدر بزرگم گوشش سنگین است.

۱. pressure: او برای انجام تکلیفش تحت فشار بود.
 ۲. lower: لطفاً صدایتان را پایین بیاورید. من مشغول مطالعه هستم.
 ۳. successful: نوجوانانی که به دیگران کمک می کنند در زندگی هایشان موفق هستند.
 ۴. elderly: ما باید به افراد سالمند در انجام فعالیت های روزمره شان کمک کنیم.
 ۵. advice: گوش دادن به نصیحت افراد مسن ترمی تواند زندگی مان را بهبود ببخشد.
 ۶. sense: رویا حس قدر دانی خوبی دارد. به همین دلیل است والدینش او را دوست دارند.
 ۷. donate: ما باید به افرادی که نیاز دارند خون اهدا کنیم.
 ۸. function: کار قلب پمپاژ خون به سرتاسر بدن است.
 ۹. improve: ما نیاز داریم (باید) شرایط زندگی مان را به بالاترین سطح بهبود ببخشیم.
 ۱۰. behavior: ما باید رفتار اجتماعی مردمی را که به یک زبان صحبت می کنند بیاموزیم.
 ۱۱. kindness: آیا می دانستید که مهربانی انرژی و توان افراد سالمند را تقویت می کند؟
 ۱۲. increase: آن ها قصد دارند که ساعت های کاری را از ۲۵ به ۴۰ ساعت در آینده نزدیک افزایش دهند.
 ۱۳. member: او یک عضو فعال کلوپ ماست.
 ۱۴. cruel: نگاه داشتن پرندگان در قفس ظالمانه است.
 ۱۵. famous: او یک شخص مشهور است. همه او را می شناسند.
 ۱۶. respect: اگر معلمان به شاگردانشان احترام بگذارند، آن ها نیز یاد می گیرند چنین کاری را بکنند.
 ۱۷. polite: در زبان انگلیسی مؤدبانه نیست از کسی بپرسیم چه مقدار پول به دست می آورد (کسب می کند).
 ۱۸. take care of: مادرم به ما گفت که هنگام بالا رفتن از کوه مراقب خودمان باشیم.
 ۱۹. abroad: دکتر حسابی به خارج رفت تا مطالعاتش را ادامه دهد.
 ۲۰. center: بیشتر مردم دوست دارند که در کانون توجه باشند.
 توضیح: be at the center of attention به معنی «در کانون توجه بودن» است.
 ۲۱. temperature: در طی بیست و چهار ساعت گذشته بالاترین درجه حرارت از اهواز گزارش شده است.
 ۲۲. terrible: او انقلاب آزادی وحشتناکی گرفت و در نتیجه نتوانست در کلاس انگلیسی اش حضور پیدا کند.
 ۲۳. guess: آیا می توانید حدس بزنید کدام تیم فوتبال بازی نهایی را خواهند برد.
 ۲۴. physician: دکتر قریب پزشک شد و در سال ۱۳۱۶ به میهن بازگشت.
 ۲۵. unconditionally: پدر و مادرها (والدین) بچه های شان را بدون قید و شرط دوست دارند.
 ۲۶. receive: شما در چه سن و سالی دیپلماتان را اخذ کردید؟
 ۲۷. dedicated: جای تعجب نیست که او به عنوان یک پزشک متعهد در نظر گرفته می شد.
 ۲۸. found: آیا دکتر قریب اولین مرکز پزشکی کودکان در ایران را تأسیس کرد؟
 ۲۹. lovely: او گفت که پسر دوست داشتنی اش یک سوال را ۱۵ بار تکرار کرد.
 ۳۰. sure: آن ها مطمئن بودند که با موفقیت امتحان نهایی شان را پاس خواهند کرد. (قبول خواهند شد).
 ۳۱. (c): بچه ها باید به والدینشان احترام بگذارند.
 ۳۲. (d): ما باید از افراد سالمند مراقبت کنیم.
 ۳۳. (b): اعضای خانواده ها باید به حرف یکدیگر گوش کنند.



۹۶. on the other hand ← از طرف دیگر
۹۷. quick meal ← غذای آماده
۹۸. fast food ← فست‌فود
۹۹. do exercise ← تمرین کردن / ورزش کردن
۱۰۰. on the right ← سمت راست
۱۰۱. burst into tears ← ترکیدن بغض
۱۰۲. on a spring morning ← در یک صبح بهاری
۱۰۳. be angry with ← عصبانی بودن از دست کسی
۱۰۴. look for sth to buy ← دنبال چیزی برای خریدن
۱۰۵. take temperature ← دما را اندازه گرفتن
۱۰۶. make a mistake ← اشتباه کردن
۱۰۷. diary (h) ← دفترچه خاطرات
۱۰۸. take care of someone (j) ← مراقبت کردن از کسی
۱۰۹. pigeon (a) ← کبوتر
۱۱۰. read aloud (i) ← بلند خواندن
۱۱۱. hard of hearing (d) ← سنگین بودن گوش
۱۱۲. burst into tears (g) ← ترکیدن بغض
۱۱۳. sit on the lap (f) ← نشستن روی دامن
۱۱۴. hug sb (e) ← در آغوش گرفتن
۱۱۵. shout at sb (c) ← دادزدن سر کسی
۱۱۶. sitting on the sofa (b) ← نشستن روی مبل
۱۱۷. repeatedly ← بارها و بارها
۱۱۸. pigeon ← کبوتر
۱۱۹. reply ← پاسخ دادن
۱۲۰. hard of hearing ← سنگین بودن گوش
۱۲۱. burst into tears ← ترکیدن بغض
۱۲۲. calmly ← به آرامی
۱۲۳. forgive ← بخشیدن
۱۲۴. diary ← دفترچه خاطرات
۱۲۵. پاسخ صحیح گزینه a است.
- آنچه که او گفت برای ما دارای مفهوم نبود. ما از او خواستیم تا آن را یک بار دیگر تکرار کند.
- گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: دارای مفهوم - سخاوتمند - برجسته - مهم
۱۲۶. پاسخ صحیح گزینه c است.
- او توصیف کاملی از آنچه که در مسیر مدرسه اتفاق افتاده بود، داد.
- گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: درک مطلب - استراتژی - توصیف - دامنه واژگان
۱۲۷. پاسخ صحیح گزینه b است.
- لباس‌هایی را بپوشید که محافظت کافی برابر سرما ایجاد کنند.
- گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: تولید کردن - فراهم کردن - پیروی کردن - توصیف کردن
۱۲۸. پاسخ صحیح گزینه a است.
- وقتی مادرم نمره مرا دید، با عصبانیت سر من داد کشید.
- توضیح: shout at sb به معنی «دادزدن بر سر کسی» است.
۱۲۹. پاسخ صحیح گزینه d است.
- دانش‌آموزان باید بابت کمک و مهربانی معلمانشان از آن‌ها قدردانی کنند.
- گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: به خاطر سپردن - تولید کردن - انتخاب کردن - قدردانی کردن

۵۷. dedicated: دکتر قریب به عنوان یک پزشک دلسوز تلقی می‌شد. او از هیچ کوششی برای مداوای افراد مریض دریغ نمی‌کرد.
۵۸. sense: برخی از حیوانات مانند سگ‌ها حس بویایی بسیار خوبی دارند.
۵۹. memory: او حافظه خوبی دارد. او هرگز چیزی را فراموش نمی‌کند.
۶۰. orally: معلم به ما گفت که به سؤالات به‌طور شفاهی پاسخ دهیم نه به شکل نوشتاری.
۶۱. blood: او به‌خاطر فشار خون بالای خود به بیمارستان برده شد.
۶۲. sure: آیلین: آیا درباره آن مطمئن هستی؟ مها: من نه فقط حدس می‌زنم.
۶۳. elderly: ما باید از افراد سالمند مراقبت کنیم. آن‌ها نیاز به مراقبت و توجه دارند.
۶۴. members: اعضای تیم قول دادند که نهایت تلاششان را بکنند تا برنده مسابقه شوند.
۶۵. series: آیا شما سریال تلویزیونی دکتر قریب را دیده‌اید؟
۶۶. match: معلم از ما خواست که تصاویر را به جملات وصل کنیم.
۶۷. care: چه کسی از بچه‌های شما وقتی شما در بیرون مشغول کار هستید مراقبت می‌کند؟
۶۸. took: دکتر دمای بدن من را گرفت و گفت هیچ مشکلی نیست.
۶۹. diary: من به مدت ۱۲ سال خاطرات را ثبت کرده‌ام.
- توضیح: keep a diary به معنی «ثبت خاطرات» است.
۷۰. forgive: لطفاً من رو به خاطر جدی نگرفتنم ببخش.
۷۱. record: مغز می‌تواند مقدار زیادی از اطلاعات را ثبت کند.
۷۲. tears: خواهرم وقتی نمره‌اش را دید بغضش ترکید.
- توضیح: burst into tears به معنی «ناگهان زیر گریه زدن» است.
۷۳. repeatedly: من بارها به فرزندانهام گفته‌ام با معلمانشان مؤدبانه صحبت کنند.
۷۴. calmly: او آن قدر با آرامش درباره آن تصادف صحبت کرد که ما متعجب شدیم.
۷۵. lovingly: پیرزن با محبت پسرش را در آغوش کشید.
۷۶. reply: من به او صبح بخیر گفتم ولی او پاسخی نداد.
۷۷. quietly: او جلسه را بدون گفتن چیزی به آرامی ترک کرد.
۷۸. shout: ضرورتی ندارد داد بزنید. گوش‌های من به خوبی گوش‌های شماست.
۷۹. keep: چرا مگرراً یک سؤال مشابه را از من می‌پرسی؟
۸۰. deserve: آن‌ها سزاوار بودند به‌خاطر آنچه انجام داده بودند مورد قدردانی قرار بگیرند.
۸۱. reason: او می‌خواست دلیل دیر کردنم (آمدنم) را بداند.
۸۲. main: نکات اصلی را به من بگو. جزئیات را برای آینده بگذار.
۸۳. provided: اطلاعات فراهم شده توسط کتاب به اندازه کافی خوب نبود.
۸۴. meaningful: هیچ تفاوت معناداری بین این دو فرهنگ لغت وجود ندارد.
۸۵. hug: در آلمان وقتی مردم همدیگر را ملاقات می‌کنند معمولاً همدیگر را بغل می‌کنند.
۸۶. diary: من اندیشه‌ها و احساساتم را هر روز برای ده سال در دفترچه خاطراتم ثبت کرده‌ام.
۸۷. lap: آن بچه از نشستن روی پای مادرش لذت می‌برد.
۸۸. repeatedly: من مگرراً به محسن گفته‌ام که با معلمانش مؤدبانه صحبت کند.
۸۹. hugged: عمویم به طرف پسرش رفت و او را در آغوش کشید.
۹۰. aloud: او شروع کرد به خواندن با صدای بلند.
۹۱. care: ما باید به پدر و مادرمان اهمیت بدهیم.
۹۲. sit on the sofa ← نشستن روی مبل
۹۳. shout at sb ← سر کسی داد زدن
۹۴. sit on one's lap ← نشستن روی دامن کسی
۹۵. keep a diary ← ثبت خاطره کردن



۱۲۰. پاسخ صحیح گزینه a است.

معمولاً ۲۰ دقیقه طول می کشد تا به محل کارم برسم.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: به‌طور نرمال، معمولاً، سرانجام، به‌طور جدی - به‌طور ناگهانی

۱۲۱. پاسخ صحیح گزینه b است.

او مجبور بود قبل از مصاحبه، انگلیسی صحبت کردن را تمرین کند.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: تکرار کردن - تمرین کردن - بخشیدن - دنبال کردن

۱۲۲. پاسخ صحیح گزینه c است.

دلیل شما برای داد زدن با عصبانیت بر سر او چیست؟

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: سؤال - فرایند - دلیل - کمیت

۱۲۳. پاسخ صحیح گزینه c است.

من به زبان فرانسه به او صبح بخیر گفتم و او به همان زبان پاسخ داد.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: مرور کردن - واقع شدن - پاسخ دادن - ثبت کردن

۱۲۴. پاسخ صحیح گزینه b است.

یک باد شدید از غرب در حال وزیدن بود.

توضیح: هم‌نشین strong wind به معنی باد شدید است.

۱۲۵. پاسخ صحیح گزینه d است.

چه کسی می گوید کمیت بهتر از کیفیت است؟

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: راهبرد - تولید، نسل - توصیف - کمیت

۱۲۶. پاسخ صحیح گزینه c است.

او می تواند به سلیسی (روان بودن) یک گوینده بومی صحبت کند.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: شگاهی - ناگهان - بومی - طبیعی

۱۲۷. پاسخ صحیح گزینه b است.

کیف آن قدر سنگین بود که نمی توانستم آن را حمل کنم.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: شروع کردن - حمل کردن - وزن کردن - اندازه گرفتن

۱۲۸. پاسخ صحیح گزینه c است.

من در واقع سه زبان خارجی را علاوه بر زبان مادری ام می دانم.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: به‌طور وحشتناک - دقیقاً - در واقع - با صدای بلند

۱۲۹. پاسخ صحیح گزینه c است.

با آموختن هم‌نشین‌ها، شما می توانید دامنه وازگان خود را بهبود بخشید.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: وضعیت‌ها - توصیفات - همانندها - نسل‌ها

۱۴۰. پاسخ صحیح گزینه d است.

نکته: have a high opinion of = respect: وقتی به کار می رود

که شما کسی را ستایش می کنید و در واقع به او احترام می گذارید.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: اختصاص دادن - فراهم کردن - پاسخ دادن - احترام گذاشتن

۱۴۱. پاسخ صحیح گزینه b است.

شما باید [شیوه] ایجاد (تولید) سؤال همراه با پاسخ‌های احتمالی را بیاموزید.

توضیح: اصطلاح along with به معنی «همراه با» است.

۱۴۲. پاسخ صحیح گزینه a است.

من از او خواستم نکات اصلی متن را به من بگوید.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: اصلی - واقعی - سریع - سنگین

۱۴۳. پاسخ صحیح گزینه b است.

من هیچ ایده‌ای ندارم (نمی دانم) که او چرا جلسه را بدون گفتن خداحافظی ترک کرد.

توضیح: اصطلاح I have no idea به معنی «ایده‌ای ندارم، نمی دانم» است.

۱۴۴. پاسخ صحیح گزینه c است.

سؤال آماده شده توسط معلم برای پاسخ دادن سخت بود.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: وصل کردن - ترکیب کردن - آماده کردن - سریع و سطحی خواندن

۱۴۵. پاسخ صحیح گزینه d است.

اگر شما موقعیت را برای من نفرستید، من نمی توانم در جلسه شرکت کنم.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: توجه - قدردانی - عملکرد - موقعیت

۱۴۶. پاسخ صحیح گزینه c است.

ممکن نیست که بتوان در یک اتاق تاریک مطالعه کرد.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: مهم - ضروری - ممکن - دارای مفهوم

۱۴۷. پاسخ صحیح گزینه a است.

یک هم‌نشین شامل دو یا چند کلمه است که اغلب با هم می آیند.

توضیح: اصطلاح go together به معنی با هم آمدن یا همانند بودن است.

ترجمه

به والدین خودتان احترام بگذارید.

در یک صبح بهاری، پیرزنی بر روی یک مبل در خانه‌اش نشسته بود. پسر کوچکش داشت روزنامه می خواند. ناگهان کبوتری روی پنجره نشست.

148. It was spring.

149. She was sitting on the sofa in her house.

150. He was reading a newspaper.

151. It sat on the window.

ترجمه

مادر از پسر کوچکش به آرامی پرسید: این چیست؟ پسرش پاسخ داد: آن یک کبوتر است. بعد از چند ثانیه او از پسرش برای بار دوم پرسید: این چیست؟ پسرش گفت: مامان، من همین الان به شما گفتم. این یک کبوتر است، یک کبوتر. بعد از مدت کوتاهی، مادر پیر از پسرش برای بار سوم پرسید: این چیست؟ این بار پسر سر مادرش داد کشید: چرا به پرسیدن یک سؤال تکراری بارها و بارها ادامه می دهی؟ آیا گوش تو سنگین است؟

152. "This" refers to "a pigeon".

153. She asked the same question three times.

154. Because she asked the same question repeatedly (again and again).

ترجمه

کمی بعد، مادر به اتاقش رفت و با یک دفترچه خاطرات قدیمی برگشت. او گفت: پسر عزیزم. من این دفترچه خاطرات را وقتی تو به دنیا آمدی خریدم. سپس او یک صفحه را باز کرد و با مهربانی از پسرش خواست که آن صفحه را بخواند. پسر به آن صفحه نگاه کرد، مکت کرد و شروع به بلند خواندن آن کرد.

155. She went to her room.

156. She brought an old diary.

157. She bought it when her son was born.

158. She asked him to read that page.

159. He read it aloud.



۱۷۲. special: حافظ اکثراً به خاطر نوع خاصی از شعر که غزل نامیده می‌شود به خاطر آورده می‌شود.

۱۷۳. inspiration: فردوسی برای بسیاری از شاعران و نویسندگان در سرتاسر جهان الهام‌بخش شناخته شده است.

۱۷۴. heart: طاهره صفارزاده وقتی که ۸ سال داشت شروع به حفظ کردن قرآن کریم کرد.

توضیح: learn by heart به معنی «حفظ کردن، از بر کردن» است.

۱۷۵. countless: قرآن کریم به زبان‌های بی‌شماری از قبیل آلمانی، انگلیسی و فرانسوی ترجمه شده است.

۱۷۶. product: این نوع لپ‌تاپ فرآورده (محصول) جدیدی از چین است.

۱۷۷. ordinary: دانشمندان مثل من و شما افراد هادی نیستند.

۱۷۸. cure: دانشمندان هنوز روشی را برای درمان سرطان نیافته‌اند.

۱۷۹. discover: آیا الکساندر فلمینگ پنی‌سیلین را کشف کرد یا فرد دیگری؟

۱۸۰. create: آن‌ها می‌خواهند شغل‌های بیشتری را برای جوانان در این منطقه ایجاد کنند.

۱۸۱. solution: معلم می‌خواست بداند چه کسی راه‌حل آن مسئله ریاضی را می‌داند.

۱۸۲. wrong: چه مشکلی داری؟ آیا مریض هستی؟

توضیح: be wrong with به معنی «مشکل داشتن» است.

۱۸۳. confirm: برادرم آنچه را که به شما گفته‌ام را تأیید خواهد کرد.

۱۸۴. agreement: او گفت که او در توافق کامل با آنچه من انجام داده‌ام بود.

۱۸۵. weave: مدت زمان زیادی طول کشید تا آن فرش زیبا را ببافد.

۱۸۶. condition: او اگرچه ۹۵ سال داشت در شرایط خوبی بود.

۱۸۷. uncertainly: او به سؤال آن خانم با عدم اطمینان کامل پاسخ داد. او درباره آن مطمئن نبود.

188. receive education → (e) دریافت آموزش

189. learn by heart → (j) از بر کردن، حفظ کردن

190. sense of identity → (i) حس هویت

191. find a solution → (a) پیدا کردن یک راه‌حل

192. cure cancer → (c) درمان سرطان

193. develop a product → (b) توسعه دادن یک کالا

194. by accident → (d) به‌طور تصادفی

195. microwave oven → (f) فر مایکروویو

196. pass the exam → (g) پاس کردن (قبول شدن) امتحان

197. elicit agreement → (h) به توافق رسیدن

198. future plans → (h) طرح‌های آینده

199. compound sentences → (j) جملات مرکب

200. wear a dress → (f) لباس پوشیدن

201. comfortable shoes → (i) کفش‌های راحت

202. be proud of → (c) افتخار کردن به

203. sense of belonging → (d) حس تعلق

204. a set of rules → (e) یک سری مقررات

205. install a dictionary → (b) نصب یک فرهنگ لغت

206. experience a failure → (g) تجربه کردن یک شکست

207. health condition → (a) وضعیت سلامت

۲۰۸. hate: من از جان متنفرم چون او خودخواه است.

۲۰۹. contrast: «اما» برای نشان دادن تضاد استفاده می‌شود.

۲۱۰. willing: من مشتاق هستم که به شما در انگلیسی کمک کنم.

ترجمه

امروز زمانی که کبوتری روی پنجره نشست، پسر کوچکم روی پای من نشست. پسر کوچک من ۱۵ بار پرسید: آن چیست و من هر ۱۵ بار به او پاسخ دادم آن کبوتر است. من هر بار که او همان سؤال را بارها و بارها از من می‌پرسید، او را با عشق و مهربانی بغل می‌کردم. من اصلاً احساس عصبانیت نمی‌کردم. من واقعاً برای بچه دوست‌داشتنی‌ام احساس شادی می‌کردم.

160. He was sitting on his mother's lap.

161. She replied the same questions 15 times.

162. She hugged her son lovingly

163. No, she wasn't.

ترجمه

ناگهان پسر بغضش ترکید، مادر پیرش را در آغوش کشید و به‌طور مکرر گفت: مادر، مادر من را ببخش. لطفاً من را ببخش. مادر پیرش پسرش را در آغوش کشید، او را بوسید و به آرامی گفت: ما باید مراقب کسانی باشیم که زمانی (روزگاری) مراقب ما بوده‌اند. ما همه می‌دانیم که والدینمان چه قدر برای هر چیز کوچکی به بچه‌هایشان اهمیت می‌دهند (مراقبت می‌کنند). بچه‌ها باید آن‌ها را دوست داشته باشند، به آن‌ها احترام بگذارند و مراقب آن‌ها باشند.

164. The son burst into tears.

165. Yes, he did.

166. She hugged her son and kissed him.

167. She said, "We must care for those who once cared for us. We all know how parents cared for their children for every little thing. Children must love them, respect them, and care for them."

ترجمه

بزرگان چیزهای زیادی برای به اشتراک گذاشتن با ما دارند، مانند تجربیات زندگی، شکست‌هایشان، موفقیت‌هایشان و بسیاری موارد دیگر. بنابراین، ما باید از آن‌ها مراقبت کنیم زیرا آن‌ها شایسته مراقبت هستند. احترام و مراقبت از بزرگ‌ترها از والدین ما شروع می‌شود، زیرا آن‌ها اولین معلمان ما در زندگی هستند.

۱۶۸. پاسخ صحیح گزینه C است.

ما باید مراقب بزرگان خود باشیم زیرا آن‌ها تجربه زندگی خود را با ما به اشتراک می‌گذارند.

(a) شکست‌های آن‌ها اهمیت کمتری دارد

(b) آن‌ها به ما به‌عنوان معلمان خود احترام می‌گذارند

(c) آن‌ها تجربه زندگی خود را با ما به اشتراک می‌گذارند

(d) موفقیت‌های آن‌ها مهم نیست

۱۶۹. پاسخ صحیح گزینه d است.

اگر امروز به بزرگ‌ترهای خود احترام بگذاریم، نسل حال و آینده ما حامل آن ارزش‌ها خواهند بود و وقتی پیر شدیم یاد خواهند گرفت که به ما احترام بگذارند.

(a) کودکان ارزش‌های بیشتری نسبت به بزرگ‌ترها دارند.

(b) بزرگ‌ترها بیشتر از بچه‌ها به ما احترام می‌گذارند.

(c) بچه‌ها وقتی پیر شوند، بزرگ‌ترها را حمل می‌کنند.

(d) وقتی به بزرگ‌ترها احترام می‌گذاریم، فرزندانمان یاد می‌گیرند که به ما احترام بگذارند.

۱۷۰. author: آیا می‌دانید کدام نویسنده (کتاب) پیرمرد و دریا را نوشته است؟

۱۷۱. poets: حافظ به عنوان یکی از مشهورترین شاعران ایرانی در همه زمان‌ها شناخته شده است.



۲۲۷. پاسخ صحیح are kept است.

من دو پرندۀ دارم. آنها در قفس نگه‌داری می‌شوند.

نکته: جمله بیانگر حال ساده مجهول است: یعنی:

am / is / are + p.p.

چون بعد از فعل متعدی keep مقبول نیامده است.

۲۲۸. پاسخ صحیح were made است.

این پن کیک‌ها (نان شیرینی‌ها) دیروز توسط مادرم درست شدند.

نکته: جمله با توجه به قید گذشته (yesterday) و مفهوم جمله

دلالت بر گذشته ساده مجهول دارد: یعنی:

was / were + p.p.

۲۲۹. پاسخ صحیح is known است.

حافظ در همه جای دنیا شناخته شده است، مگر نه؟

نکته: برای بیان حقایق و واقعیت‌ها از زمان حال ساده استفاده می‌شود

و چون جمله مجهول است شکل حال ساده مجهول می‌آید: یعنی:

am / is / are + p.p.

۲۳۰. پاسخ صحیح lowered است.

با کمک کردن به دیگران فشار خون کاهش می‌یابد.

نکته: برای بیان حقایق و واقعیت‌ها از زمان حال ساده استفاده می‌شود

و چون جمله مجهول است شکل حال ساده مجهول می‌آید: یعنی:

am / is / are + p.p.

۲۳۱. پاسخ صحیح cooking است.

وقتی به خانه رسیدیم مادرم داشت ناهار می‌پخت.

نکته: چون بعد از فعل مقبول آمده است و زمان جمله معلوم گذشته

استمراری (was / were + v + ing) است، از فعل (cook) به حالت گذشته

استمراری معلوم استفاده می‌شود.

۲۳۲. پاسخ صحیح were found است.

مینا: آیا کلیدها را پیدا کردی؟

سلما: بله، کلیدها پیدا شدند.

نکته: چون جمله گذشته ساده است (با توجه به did) در پاسخ از

شکل گذشته ساده مجهول استفاده می‌شود. یعنی:

was / were + p.p.

۲۳۳. پاسخ صحیح was broken است.

الف: آیا علی پنجره را شکست؟

ب: نه، آن توسط رضا زمانی که داشت فوتبال بازی می‌کرد شکسته شد.

نکته: چون جمله گذشته ساده است، با توجه به ساختار مجهول

(حرف اضافه by به همراه کننده کار) از شکل مجهول فعل داخل پرانتز در

زمان گذشته ساده مجهول استفاده می‌شود. یعنی:

was / were + p.p.

۲۱۱. hungry: او آنچنان گرسنه بود که سه کاسه سوپ خورد.

۲۱۲. solution: آنها یک راه حل صلح‌آمیز برای آن مشکل پیدا کردند.

۲۱۳. identity: هویت آن مرد متوفی توسط پلیس شناخته نشده است.

۲۱۴. regarding: ما چیزهای زیادی را در خصوص میراثمان از پدر و مادرم می‌آموزیم.

۲۱۵. result: نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که خانم‌های خانه‌دار بزرگ‌ترین گروه

تماشاگران تلویزیونی هستند.

۲۱۶. پاسخ صحیح گزینه a است.

عواطف و اخلاقیات زیاد در غزل‌های حافظ استفاده می‌شوند.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: اخلاقیات - تبلت‌ها - ابزارها - مقررات

۲۱۷. پاسخ صحیح گزینه c است.

این شاعر الهاماتش را از طبیعت می‌گیرد.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: مکالمه - توسعه - الهام - ترجمه

۲۱۸. پاسخ صحیح گزینه b است.

آیامی دانستید که رادیو توسط یک دانشمند ایتالیایی به نام مارکونی اختراع شده است؟

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: کشف شدن - اختراع شدن - وصل شدن -

انتخاب شدن

۲۱۹. پاسخ صحیح گزینه d است.

از کدام یک از ابزارهای قدرت ارتباطی هنگام سخنرانی بیشتر استفاده می‌کنید؟

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: متون - نکات، امتیازات - گزینه‌ها - ابزارها

توضیح: communication power tools به معنی «ابزارهای قدرت

ارتباطی» است.

۲۲۰. پاسخ صحیح گزینه b است.

آقای احمدی یک مرد مذهبی است. او قرآن کریم را از بر دارد (از حفظ می‌داند).

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: جدی - مذهبی - ویژه - بی‌شمار

۲۲۱. پاسخ صحیح گزینه c است.

نظام آموزش در فنلاند بهترین نظام آموزشی در دنیاست، چون بچه‌هایشان از

یادگیری لذت می‌برند.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: مجموعه - عاطفه - آموزش - شعری

۲۲۲. پاسخ صحیح گزینه a است.

این که او چند زبان می‌داند یک نعمت است.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: نعمت - میراث - خط مشی - تعلق

۲۲۳. پاسخ صحیح گزینه d است.

احتمال ضعیفی وجود دارد که او بتواند به ما کمک کند.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: حضور - تفاوت - ترکیب - احتمال

۲۲۴. پاسخ صحیح گزینه a است.

دکتر هادر حال چک کردن (بررسی) سلامت او هستند. من امیدوارم چیز جدی نباشد.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: بررسی کردن - توضیح دادن - ذکر کردن - دنبال کردن

۲۲۵. پاسخ صحیح گزینه c است.

این تست‌ها بر اساس واژگان هستند نه بر اساس گرامر (دستور زبان).

توضیح: be based on به معنی «بر اساس» است.

۲۲۶. پاسخ صحیح has not been found است.

دزد هنوز توسط پلیس پیدا نشده است.

نکته: جمله با توجه به yet حال کامل (ماضی نقلی) مجهول است و

yet فقط در حالت منفی می‌آید: یعنی:

have / has + not + been + P.P.



۲۵۷. پاسخ صحیح گزینه d است.

فردا یک درس جدید به دانش‌آموزان تدریس خواهد شد.

نکته: با توجه به قید زمان آینده ساده (tomorrow) و مجهول بودن جمله، از شکل مجهول will be + p.p. استفاده می‌شود.

۲۵۸. پاسخ صحیح گزینه c است.

این ماشین‌ها از سال ۲۰۱۰ استفاده نشده‌اند.

نکته: جمله بیانگر حال کامل است (با توجه به since) و هر فعل متعدی بدون مفعول، مجهول است: پس: have / has been + p.p.

۲۵۹. پاسخ صحیح گزینه d است.

ما دوشنبه گذشته به مهمانی آن‌ها دعوت شدیم.

نکته: با توجه به قید زمان گذشته (دوشنبه گذشته) و نبودن مفعول بعد از فعل متعدی (دعوت کردن) از شکل گذشته ساده مجهول استفاده می‌شود: یعنی: was / were + p.p.

۲۶۰. پاسخ صحیح گزینه d است. این ساعت از سال گذشته خیلی خوب کار کرده است.

نکته: چون work (کار کردن) فعل لازم است، با در نظر گرفتن since از شکل معلوم حال کامل (ماضی نقلی) استفاده می‌شود: یعنی: have / has + p.p.

۲۶۱. پاسخ صحیح گزینه b است. برادر او شب گذشته نزدیک آن پارک پیدا شد.

نکته: با توجه به قید زمان گذشته (شب گذشته) و حالت مجهول فعل (find) از شکل مجهول گذشته ساده استفاده می‌شود: یعنی: was / were + p.p.

۲۶۲. پاسخ صحیح گزینه a است.

آ: چرا آن‌ها آن شیر را کشتند؟

ب: چون آن می‌خواست به آن‌ها حمله کند.

نکته: جمله بیانگر گذشته ساده معلوم است چون هم فاعل دارد (they) و هم مفعول (the lion).

۲۶۳. پاسخ صحیح isn't she است.

مینا خوشحال است، مگر نه؟

Mina is → isn't she?

۲۶۴. پاسخ صحیح isn't he است.

او دارد یک ایمیل می‌نویسد، مگر نه؟

He's → isn't he?

۲۶۵. پاسخ صحیح was he است.

جرج گرسنه نبود، مگر نه؟

George wasn't ? → was he?

۲۶۶. پاسخ صحیح weren't they است.

دخترها داشتند قالی می‌بافتند، مگر نه؟

The girls were → weren't they?

۲۶۷. پاسخ صحیح aren't they است.

آن‌ها دارند به همدان می‌روند، مگر نه؟

They are → aren't they?

234. Active: My mom forgave me for breaking the vase.

Passive: I was forgiven (by my mom) for breaking the vase .

235. Active: She has kept a diary for 50 years.

Passive: A diary has been kept by her for 50 years.

236. Active: Where do they park their car?

Passive: Where is their car parked?

237. Active: Mr. Brown takes his children to school every day.

Passive: Mr. Brown's children (His children) are taken to school everyday.

238. Active: Doctors have made a new medicine to cure cancer.

Passive: A new medicine has been made to cure cancer (by doctors).

239. No, it hasn't been cleaned yet.

240. Persian is spoken in this country.

241. has been painted

247. are created

242. was hunted

248. was discovered

243. are developed

249. was working

244. were invented

250. was invented

245. are made

251. are not invented

246. are developed

252. were made

ترجمه

بسیاری از محصولات هر ساله توسعه داده می‌شوند. لامپ‌های، دوربین، هواپیما و تلفن توسط دانشمندان و مخترعان اختراع شدند. لپ‌تاپ‌ها، گوشی‌های هوشمند و تبلت‌ها به‌واسطه کارهای زیاد ساخته می‌شدند. ولی همه محصولات با سخت‌کوشی توسعه پیدا نمی‌کنند. کارهای زیاد برخی از اختراعات به‌صورت تصادفی یا به علت اشتباهات دانشمندان ایجاد می‌شدند. مثلاً پنی‌سیلین وقتی الکساندر فلمینگ داشت روی باکتری‌ها کار می‌کرد کاملاً به‌صورت تصادفی کشف شد. فیر مایکروویو همچنین در طی آزمایش یک دانشمند بر روی انرژی اختراع شد. جالب‌تر این‌که برخی از ابزارها و فناوری‌ها اصلاً توسط دانشمندان اختراع نمی‌شدند. برخی مثل ماشین ظرفشویی‌ها و بازی‌های کامپیوتری توسط افراد عادی مثل کارگران، خائمه‌های خانه‌دار و دانش‌آموزان مدرسه‌ای ساخته شدند.

۲۵۲. پاسخ صحیح گزینه a است.

کتاب جدید دو روز پیش پست شد.

نکته: جمله گذشته ساده مجهول است. یعنی: was / were + p.p.

۲۵۴. پاسخ صحیح گزینه b است.

به او یاد داده شد قبل رفتن به چین (زبان) چینی را صحبت کند.

نکته: با توجه به این‌که کار در گذشته اتفاق افتاده است از شکل مجهول زمان گذشته استفاده می‌شود: یعنی: was / were + p.p.

۲۵۵. پاسخ صحیح گزینه b است.

الکساندر فلمینگ خیلی سال‌ها پیش پنی‌سیلین را کشف کرد.

نکته: با توجه به این‌که کار در گذشته اتفاق افتاده است، از شکل معلوم زمان گذشته استفاده می‌شود.

۲۵۶. پاسخ صحیح گزینه c است.

تام به‌عنوان یک سرباز شجاع شناخته شده است.

نکته: با توجه به ساختار مجهول (نبودن مفعول بعد از فعل) از شکل مجهول زمان حال ساده استفاده می‌شود و تنها یک گزینه مجهول وجود دارد.



۲۷۹. پاسخ صحیح will go است. آن‌ها به خرید خواهند رفت، مگه نه؟

نکته: چون در قسمت انتهایی فعل won't آمده است، جمله به زمان آینده است و از will به همراه شکل ساده go استفاده می‌شود.

۲۸۰. پاسخ صحیح haven't had است. آن‌ها هنوز ناهار نخورده‌اند، مگه نه؟

نکته: قسمت انتهایی نشان می‌دهد که جمله حال کامل است و چون مثبت است جمله را به صورت منفی حال کامل می‌آوریم، یعنی: have / has + not + p.p.

۲۸۱. پاسخ صحیح are weaving است. آن‌ها در حال بافتن قالی هستند، مگه نه؟

نکته: قسمت انتهایی نشان می‌دهد که زمان جمله حال استمراری بوده است. بنابراین از فعل are به همراه شکل ینگ فعل داخل پراتنز استفاده می‌شود. یعنی: am / is / are + verb + ing

۲۸۲. پاسخ صحیح can help است. من مطمئن هستم آن‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، مگر نه؟

نکته: با توجه به حالت منفی قسمت انتهایی از شکل مثبت can به همراه شکل ساده فعل یعنی help استفاده می‌کنیم. (قسمت اول جمله توضیح اضافی است.)

۲۸۳. پاسخ صحیح was watching است. او داشت تلویزیون تماشا می‌کرد، مگه نه؟

نکته: با توجه به قسمت انتهایی، جمله بیانگر گذشته استمراری است و در جمله از حالت مثبت استفاده می‌شود، یعنی: was / were + verb + ing

۲۸۴. پاسخ صحیح won't be است. فردا جلسه‌ای وجود نخواهد داشت، مگه نه؟

نکته: چون در قسمت انتهایی از will استفاده شده است در جمله از won't به همراه شکل ساده فعل استفاده می‌شود، یعنی: won't + verb

۲۸۵. helped: والدینتان همیشه به شما کمک کرده‌اند، اینطور نیست؟

نکته: سؤال کوتاه هم منفی است و هم have دارد که نشانه حال کامل (have + pp) است. بنابراین از فعل مثبت helped استفاده می‌شود.

۲۸۶. پاسخ صحیح didn't do است. آن‌ها تکالیفشان را با دقت انجام ندادند، مگه نه؟

نکته: چون قسمت انتهایی به شکل گذشته مثبت آمده، فعل جمله اصلی به شکل didn't do می‌آید که بیانگر زمان گذشته ساده است.

287. Tom speaks English very fast, doesn't he?

288. The class begins at eight, doesn't it?

289. We can't speak Arabic well, can we? Or: We can speak Arabic well, can't we?

290. They won't invite us, will they?

291. The girl didn't write a letter, did she?

۲۹۲. پاسخ صحیح گزینه C است.

عمه علی به خودش آسیب رساند، مگه نه؟

نکته: چون فعل hurt زمان گذشته است، در قسمت انتهایی از didn't به همراه ضمیر she استفاده می‌شود. (نداشتن s یا es در سوم شخص مفرد بیانگر گذشته ساده است.)

۲۶۸. پاسخ صحیح will he است.

پدرش ماشین جدیدی نخواهد خرید، مگر نه؟

His father won't → will he?

۲۶۹. پاسخ صحیح haven't they است.

پسرها پنجره را شکسته‌اند، مگر نه؟

The boys have → haven't they?

۲۷۰. پاسخ صحیح hasn't she است. خواهر شما امتحان را پاس کرده، نکرده؟

نکته: اگر have / has / had با قسمت سوم فعل بیاید فعل کمکی محسوب می‌شود و در حالت منفی hasn't می‌شود.

۲۷۱. پاسخ صحیح isn't he است.

من شنیده‌ام او مریض است، مگه نه؟

I've heard he's sick, isn't he?

نکته: نظرات شخصی (I've heard) در سؤال انتهایی استفاده نمی‌شود. یعنی he's sick قسمت اصلی است.

۲۷۲. پاسخ صحیح is it است.

آن چیز جدی نیست، هست؟

It isn't → is it?

۲۷۳. پاسخ صحیح aren't they است.

آن‌ها قصد دارند این‌جا را ترک کنند، مگر نه؟

They are → aren't they?

۲۷۴. پاسخ صحیح can it است.

این نمی‌تواند درست باشد، مگر نه؟

This cannot → can it?

۲۷۵. پاسخ صحیح does he است. هرگز بابتی احتیاطی رانندگی نمی‌کند، مگر نه؟

نکته: چون never حالت منفی دارد در قسمت انتهایی از مثبت استفاده می‌کنیم. با توجه به drives که حال ساده است از فعل does استفاده می‌شود.

۲۷۶. پاسخ صحیح didn't they است. دانش‌آموزان دیر آمدند، مگر نه؟

نکته: چون came زمان گذشته است، در قسمت انتهایی از فعل didn't استفاده می‌کنیم. معادل the students ضمیر جمع they است.

۲۷۷. پاسخ صحیح didn't she است. مینا به خودش صدمه زد، مگه نه؟

نکته: هر فعلی که در سوم شخص s یا es نداشته باشد، زمان گذشته است. در قسمت انتهایی از فعل didn't به همراه ضمیر Mina یعنی she استفاده می‌شود.

۲۷۸. were trying: دوستانم به هر طریقی داشتند به من کمک می‌کردند، مگر نه؟

نکته: چون سؤال کوتاه با were شروع شده می‌فهمیم که در ساختار فعل اصلی ما to be هم آمده است و فعل try باید به صورت استمراری (ing) بیاید. سؤال کوتاه منفی است، پس جای خالی به صورت مثبت می‌آید و بعد از was و were در زمان گذشته استمراری فعل به شکل ing دار می‌آید.



۲۰۲. پاسخ صحیح گزینه b است. دانش‌آموزان زیادی در کلاس درس وجود داشتند، نداشتند؟

نکته: چون جمله مثبت است قسمت انتهایی را منفی می‌آوریم و there با مشتقات فعل be می‌آید.

وجود دارند: There are / وجود دارد: There is

۲۰۳. پاسخ صحیح گزینه c است. یکی از دخترها خیلی سخت کار می‌کند، این طور نیست؟

نکته: ضمیر مناسب برای یکی از دخترها she است و چون جمله حال ساده است، از فعل doesn't استفاده می‌شود.

۲۰۴. پاسخ صحیح گزینه b است. سخت (خیلی جدی) تمرین کردن، انگلیسی شما را بهبود می‌بخشد، این طور نیست؟

نکته: چون جمله مثبت است قسمت انتهایی منفی می‌آید (حذف گزینه‌های a و c) و سخت تمرین کردن معادل it است.

practicing very hard=it

۲۰۵. پاسخ صحیح گزینه d است. داستانی که شما خواندید خیلی خوب است، مگر نه؟

نکته: فعل اصلی جمله is است و به همین دلیل در قسمت انتهایی isn't می‌آید.

The story (you read) is

۲۰۶. پاسخ صحیح گزینه a است. اگر باران نیاید، ما بیرون خواهیم رفت، مگر نه؟

نکته: در جملات شرطی، قسمت انتهایی (پرسش تأکیدی) مربوط به پاسخ شرط می‌شود نه قسمت شرط. چون will مثبت است در قسمت انتهایی از won't استفاده می‌کنیم. قسمت انتهایی همیشه از یک فعل و ضمیر تشکیل می‌شود.

۲۰۷. پاسخ صحیح گزینه a است. مینا هرگز خوب آشپزی نمی‌کند، مگر نه؟

نکته: با توجه به منفی بودن جمله (never) و حال ساده بودن فعل (cooks) از does she استفاده می‌کنیم. توجه داشته باشید که در دم‌سؤالی هیچ‌گاه از اسم خاص (Mina) استفاده نمی‌کنیم. قسمت انتهایی همیشه از یک فعل و ضمیر تشکیل می‌شود.

۲۰۸. پاسخ صحیح گزینه d است. این فرهنگ لغت شماست، نیست؟

نکته: چون جمله مثبت است قسمت انتهایی را منفی می‌آوریم و به جای this از ضمیر it استفاده می‌کنیم.

۲۰۹. پاسخ صحیح گزینه d است. آنچه که شما گفتید کاملاً درست است، نیست؟

نکته: آنچه که شما گفتید (what you said) معادل it است و با توجه به is در قسمت انتهایی از isn't استفاده می‌شود.

۲۱۰. پاسخ صحیح گزینه a است. نامه توسط پدرم دو روز پیش پست شد.

نکته: با توجه به ساختار جمله که بیانگر مجهول گذشته ساده است was / were + p.p. صحیح است.

۲۹۲. پاسخ صحیح گزینه a است. او معمولاً هنگام شب تلویزیون تماشا می‌کند، این طور نیست؟

نکته: چون جمله بیانگر حال ساده است، در قسمت انتهایی از doesn't به همراه she استفاده می‌شود.

۲۹۴. پاسخ صحیح گزینه b است. او هرگز به خارج نرفته، مگر نه؟

نکته: با توجه به قید منفی never و فعل کمکی has از has she استفاده می‌کنیم.

۲۹۵. پاسخ صحیح گزینه b است. آن‌ها پیش ما خواهند ماند، این طور نیست؟

نکته: با توجه به فعل کمکی will و ضمیر فاعلی they، در قسمت انتهایی از حالت منفی فعل will یعنی won't استفاده می‌شود.

۲۹۶. پاسخ صحیح گزینه a است. خواهر شما نهار را در ساعت ۱۲ خورد، نخورد؟

نکته: با توجه به فعل گذشته had از didn't و ضمیر فاعلی متناسب با your sister استفاده می‌شود. (your sister = she)

۲۹۷. پاسخ صحیح گزینه b است. حمید به ندرت شلوار جین می‌پوشد، مگر نه؟

نکته: با توجه به قید تکرار منفی rarely، در قسمت انتهایی از حالت مثبت استفاده می‌کنیم. در سؤالات ضمیمه هیچ‌گاه از اسم خاص (Hamid) استفاده نمی‌کنیم. چون جمله حال ساده و سوم شخص است، از does استفاده می‌کنیم.

۲۹۸. پاسخ صحیح گزینه d است. آن‌ها مجبورند زود بیدار شوند، مگر نه؟

نکته: با توجه به فعل have to که فعل اصلی و زمان حال ساده است از فعل منفی don't استفاده می‌شود.

۲۹۹. پاسخ صحیح گزینه d است. رضا آن کتاب را با دقت خواند، مگر نه؟

نکته: چون read زمان گذشته است (به دلیل نداشتن s یا es همراه با فاعل سوم شخص مقرر) از فعل گذشته به همراه ضمیر فاعلی استفاده می‌شود.

۲۰۰. پاسخ صحیح گزینه c است. او در تلفظ کلمات جدید مشکل دارد، مگر نه؟

نکته: با توجه به فعل has که فعل اصلی و زمان حال ساده است، از فعل منفی doesn't استفاده می‌شود.

۲۰۱. پاسخ صحیح گزینه a است. پلیس‌ها هرگز پول دزدیده شده را در سرقت پیدا نکردند، مگر نه؟

نکته: با توجه به منفی بودن جمله به دلیل کلمه never و زمان گذشته فعل found از حالت مثبت زمان گذشته استفاده می‌شود. چون the police اسم جمع است از ضمیر they استفاده می‌شود.





Listening

Dr. Asadi is answering this important question: "why is it important to care for our elders?" I think first of all we need to remember that they are our mothers and fathers, and our first teachers. They teach us how to love, how to care, how to forgive, and how to accept. Second, elders have more knowledge and wisdom than any one of us. They've come so far and they've learned so much, we have a responsibility to learn from that wisdom.

دکتر اسدی دارد به این سوال مهم پاسخ می‌دهد که «چرا مراقبت از سالمندان مان مهم است؟» من فکر می‌کنم قبل از هر چیز باید به یاد داشته باشیم که آنها مادران و پدران ما و اولین معلمان ما هستند. آنها به ما یاد می‌دهند چگونه دوست داشته باشیم، چگونه مراقبت کنیم، چگونه ببخشیم، و چگونه بپذیریم. ثانیاً، بزرگ‌ترها از هر یک از ما دانش و خرد بیشتری دارند. آنها تا به این جا رسیده‌اند و چیزهای زیادی یاد گرفته‌اند، ما وظیفه داریم از آن حکمت (خرد) درس بگیریم.

۲۲۹. گزینه (a): آ: بزرگان ما چه کسانی هستند؟ ب: مادران و پدران

(a) مادران و پدران (b) پدران
(c) مادران (d) پزشکان

۲۴۰. گزینه (b): آ: بزرگ‌ترها ما به ما چه می‌آموزند؟ ب: به ما می‌آموزند که چگونه عشق بورزیم و مراقبت کنیم.

(a) بپذیرید و یاد بگیرید (b) عشق بورزیم و مراقبت کنیم
(c) ببخشیم و به خاطر بسپاریم (d) پاسخی بیاموزید

۲۴۱. گزینه (d): ما مسئولیت داریم از خرد آنها درس بگیریم.

(a) درد (b) موقعیت
(c) آرزو (d) خرد

Listening

آ: برنامه‌های تلویزیون این روزها بدترین هستند. حتی با وجود صد کانال برای انتخاب، همه چیز وحشتناک است.
ب: حق با شماست! من فکر می‌کنم به این دلیل است که بیشتر برنامه‌های تلویزیونی برای نوجوانان نوشته می‌شوند. هیچ چیزی برای بزرگ‌ترها وجود ندارد تا [از آن] لذت ببرند.

342. worst 344. terrible 346. teenagers
343. choose 345. right 347. enjoy

Listening

سارا: خیلی خوب است که پزشکان معروفی در بیمارستان شما هستند. پرستار: آیا می‌دانید ایران همیشه طبیبان و پزشکان بزرگی داشته و از نظر پزشکی غنی بوده است؟
سارا: جالب به نظر می‌رسد. می‌توانید برخی از آنها را نام ببرید؟ من دوست دارم آنها را بشناسم.
پرستار: از نظر تاریخی می‌توانیم به ابن‌سینا اشاره کرد.
سارا: ابن‌سینا! می‌شود بیشتر در موردش به من بگویید؟
پرستار: بله، البته! او یک پزشک بزرگ ایرانی بود. او دو کتاب بزرگ نوشته است. زندگی او منبع الهام برای بسیاری از مردم است.
سارا: خیلی خوب است. فکر می‌کنم از پدرم بخواهم که تابستان امسال ما را به همدان ببرد.
پرستار: بله، فکر می‌کنم سفر هیجان‌انگیزی خواهد بود!

348. medicine 350. Persian 352. take
349. history 351. life

۲۲۹. پاسخ صحیح گزینه d است. زیلا وقتی غمگین است هرگز یک کلمه حرف نمی‌زند، مگه نه؟

نکته: با توجه به قید تکرار منفی never، قسمت انتهایی مثبت می‌آید و چون جمله بیانگر حال ساده است، فعل does استفاده می‌شود.

۲۲۰. پاسخ گزینه b است. آنها یک خانه جدید خواهند خرید، این طور نیست؟ جمله بیانگر زمان آینده و مثبت است، پس در قسمت انتهایی فعل منفی won't می‌آید.

۲۲۱. پاسخ صحیح گزینه b است. خواهرتان امتحان را پاس کرده است (قبول شده است)، مگر نه؟

نکته: چون جمله مثبت است و فعل کمکی has را دارد، در قسمت انتهایی hasn't می‌آید. معادل your sister ضمیر فاعلی she است.

۲۲۲. پاسخ صحیح گزینه b است. حمید یک کلمه بد نمی‌گوید، مگر نه؟

نکته: چون جمله منفی است (doesn't) قسمت انتهایی را مثبت می‌آوریم.

۲۲۳. پاسخ صحیح گزینه a است. خواهر او هرگز مودبانه رفتار نمی‌کند، مگر نه؟

نکته: جمله بیانگر سؤال (سؤال تأکیدی) است. قید تکرار منفی never نشان می‌دهد که جمله منفی است و از طرفی به دلیل حال ساده بودن (drives) از فعل does استفاده می‌شود.

۲۲۴. پاسخ صحیح گزینه d است.

الف: حمید به مدرسه نیامده است، شنیده‌ام که حالش خوب نیست، مگر نه؟
ب: او، بله. او آنقدر ناخوش گرفته است.

نکته: عبارت I've heard را بیخیال شوید و از ادامه جمله، پرسش تأییدی را بسازید!

۲۲۵. پاسخ صحیح گزینه b است. پدرم ماشین جدیدی خواهد خرید، مگر نه؟

نکته: چون «will buy» بر زمان آینده ساده دلالت دارد، سؤال کوتاه تبدیل به won't he می‌شود. در سؤال کوتاه همیشه به جای اسم از ضمیر استفاده می‌شود.

۲۲۶. پاسخ صحیح گزینه a است. لیلای هیچ وقت یادش نمی‌رود با تو تماس بگیرد؛ مگر نه؟

نکته: چون جمله حالت منفی (never) دارد و حال ساده (forgets) می‌باشد از does و ضمیر she به جای Leila استفاده می‌شود.

۲۲۷. پاسخ صحیح گزینه a است. امیر خودش دیوار را رنگ نکرد، مگر نه؟

نکته: چون جمله گذشته ساده منفی است در قسمت انتهایی از did استفاده می‌شود و در سؤال ضمیمه حتماً باید از ضمیر به جای اسم (Amir) استفاده بکنیم.

۲۲۸. پاسخ صحیح گزینه b است. ناهید اتاق را تمیز خواهد کرد، مگه نه؟

نکته: چون قسمت انتهایی دلالت بر زمان آینده منفی (won't she) دارد، در جمله از will و شکل ساده فعل (clean) استفاده می‌شود.



از عقلانیت آن‌ها بیاموزیم: اما مهمترین چیز، تجربه آن‌هاست. ما ممکن است همه فراز و نشیب‌هایی را که آن‌ها در زندگی با آن مواجه شده‌اند بدانیم یا ندانیم: اما آن‌ها تجربه بسیاری دارند که بسیار قابل احترام و یادگیری است. بزرگ‌ترهای ما ممکن است بسیاری از دردهایشان را از ما پنهان کنند، چون نمی‌خواهند آن درد را حس کنیم. حداقل کاری که ما می‌توانیم انجام بدهیم **قدر دانستن** آن‌ها به خاطر همه آن چیزی است که آن‌ها پشت سر گذاشته‌اند و آموختن از تجربه آن‌هاست.

372. forgive 374. faced 376. feel
373. knowledge 375. respecting 377. appreciate

Listening

رؤیا: جمعه به باشگاه می‌رویم. مینا، با ما می‌آیی؟
مینا: فکر نمی‌کنم (بتوانم بیایم).
رؤیا: تو ورزش دوست نداری، نه؟
مینا: در واقع، من نمی‌دانم. به نظر من **بستگی** به نوع ورزش دارد.
رؤیا: ورزش‌های **گروهی** را ترجیح می‌دهی، مگه نه؟
مینا: خب، به نظرم خوبه. اما راستش من ورزش‌های کم‌تحرک‌تری مثل شطرنج را دوست دارم.

378. gym 379. depends 380. team 381. active

Listening

Sofia: Where did you go for your holiday?
James: Last year I went to Singapore, a south-east Asian country.
Sofia: Why did you choose the destination?
James: I loved to travel to Asian countries, and Singapore was my best choice because of its beauty and culture.
Sofia: How long did it last?
James: I stayed there for two weeks.
Sofia: How did you travel?
James: We flew there of course.
Sofia: What did you pack up?
James: I only brought some necessary items such as money, clothes, medicine, a map and a digital camera.
Sofia: What did you do there in the holiday?
James: We visited tourist attractions.

سوفیا: برای تعطیلات کجا رفتی؟
جیمز: سال گذشته به سنگاپور، کشوری در جنوب شرق آسیا، رفتم.
سوفیا: چرا این مقصد را انتخاب کردی؟
جیمز: من عاشق سفر به کشورهای آسیایی بودم و سنگاپور به دلیل زیبایی و فرهنگش بهترین انتخاب من بود.
سوفیا: چقدر طول کشید؟
جیمز: من دو هفته آن‌جا ماندم.
سوفیا: با چه وسیله‌ای سفر کردی؟
جیمز: البته ما به آن‌جا پرواز کردیم (با هواپیما).
سوفیا: چه چیزهایی را همراهت بردی؟
جیمز: من فقط چند اقلام ضروری مثل پول، لباس، دارو، یک نقشه و دوربین دیجیتال بردم.
سوفیا: تو تعطیلات آن‌جا چه کار کردی؟
جیمز: ما از جاذبه‌های گردشگری دیدن کردیم.

۲۸۲. گزینه (c): جیمز برای تعطیلات به جنوب شرقی آسیا رفت.
۲۸۳. گزینه (a): جیمز به خاطر زیبایی و فرهنگش به سنگاپور رفت.

Listening

سارا برای یک هفته در مرکز پزشکی بچه‌ها بوده است. او به آنفلوآنزای بدی مبتلا شده است. دکتر به او گفت که آنجا بماند تا بهتر شود. تصویر یک پیرمرد بر روی دیوار وجود دارد. وقتی که پرستار مشغول گرفتن درجه حرارت است، آن‌ها شروع به صحبت می‌کنند.
ببخشید، آن مردی که در تصویر است کیست؟
پرستار: او، آیا اورانمی‌شناسی؟ آیا تا به حال (اسم) دکتر محمد قریب را شنیده‌ای؟
سارا: من فکر می‌کنم فقط اسمش را در کتاب انگلیسی‌ام دیده‌ام، اما درباره آن مطمئن نیستم.
پرستار: دکتر قریب پزشک مشهوری بود.
سارا: آیا می‌توانی کمی درباره زندگی او به من بگویی؟
پرستار: دکتر قریب در سال ۱۲۸۸ در تهران متولد شد.
بعد از اخذ (گرفتن) دیپلم، او به خارج رفت تا پزشکی بخواند.
در سال ۱۳۱۶ او پزشک شد و به زادگاهش برگشت.
در سال ۱۳۴۷، این مرکز توسط دکتر قریب و یکی از دوستان صمیمیش (نزدیکش) تأسیس شد.
سارا: واقعا؟ من این را نمی‌دانستم.
پرستار: دکتر قریب همچنین مرد سخاوتمندی بود.
او از هیچ کوششی برای درمان بچه‌های مریض دریغ نمی‌کرد.
او با خانواده‌های فقیر دوست و یاری‌رسان بود.
جای تعجب نیست که او به عنوان یک پزشک متعهد مورد توجه بود.
سارا: حیف شد! چنین مرد بزرگی را نمی‌شناختم.
پرستار: او همچنین به عنوان یک استاد برجسته دانشگاه شناخته شده بود.
اولین کتاب درسی ایرانی درباره بیماری‌های کودکان توسط او نوشته شد.
او پزشکی را به هزاران دانشجو آموزش می‌داد.
سارا: او! چه مرد بزرگی بوده!
پرستار: راستی، شاید **جالب** باشد که بدانید پزشک شما یکی از شاگردان دکتر قریب بوده است!

353. Medical 358. abroad 363. diseases
354. temperature 359. founded 364. medicine
355. heard 360. generous 365. interesting
356. famous 361. friendly
357. born 362. university

ترجمه

دکتر قریب در سال ۱۲۸۸ در تهران به دنیا آمد و پس از اخذ دیپلم برای تحصیل در رشته پزشکی به خارج از کشور رفت. در سال ۱۳۱۶ طبیب شد و سپس به وطن بازگشت. در سال ۱۳۴۷ این مرکز توسط دکتر قریب و یکی از دوستان نزدیکش تأسیس شد. دکتر قریب همچنین مرد سخاوتمندی بود و برای درمان کودکان بیمار از هیچ کوششی دریغ نمی‌کرد. او به عنوان یک پزشک متعهد به حساب می‌آمد. او به عنوان یک استاد برجسته دانشگاه نیز شناخته می‌شد. اولین کتاب درسی فارسی در مورد بیماری‌های کودکان توسط او نوشته شده است.

366. diploma 368. generous 370. professor
367. founded 369. regarded 371. diseases

Listening

آیا می‌دانید چرا مراقبت کردن از بزرگ‌ترهایمان مهم است؟ چون آن‌ها مادران و پدران ما هستند و نخستین معلم‌های ما (هستند). آن‌ها به ما می‌آموزند که چگونه عشق بورزیم، چگونه مراقبت کنیم و چگونه دیگران را ببخشیم. بزرگ‌ترها نسبت به هر یک از ما دانش و عقلانیت بیشتری دارند. آن‌ها تا این‌جا آمده‌اند و خیلی چیزها آموخته‌اند، به این دلیل است که ما باید

۴۴۷. so: این کفش‌ها راحت نیستند، در نتیجه من آن‌ها را نخواهم خرید.
 ۴۴۸. or: ما می‌توانیم با اتوبوس برویم، یا می‌توانیم تاکسی بگیریم.
 ۴۴۹. and: من صبح زود بیدار شدم و املت درست کردم.
 ۴۵۰. but: برف در خیابان وجود دارد، اما (هوا) خیلی سرد نیست.
 ۴۵۱. and: ما به رستوران رفتیم و غذا سفارش دادیم.
 ۴۵۲. so: آن واژه‌نامه گران است، در نتیجه من نمی‌توانم آن را بخرم.
 ۴۵۳. so: احساس گرسنگی می‌کردم، در نتیجه برای خودم ساندویچ درست کردم.
 ۴۵۴. or: آیا بیرون به سینما می‌روید یا در خانه می‌مانید؟
 ۴۵۵. but: شیوا خوب تنیس بازی می‌کند ولی زهرا خوب نیست.
 ۴۵۶. so: هیچ چیزی در تلویزیون نبود، در نتیجه رفتم بخوابم.
 ۴۵۷. so: شیوا فردا امتحان دارد؛ بنابراین او باید امشب خوب مطالعه کند.
 ۴۵۸. but: کلاس انگلیسی من واقعاً لذت‌بخش است؛ اما من تکالیف بسیاری برای انجام دادن دارم.
 ۴۵۹. so: شما بازی را باختید، در نتیجه اگر می‌خواهید موفق بشوید باید بیشتر تمرین کنید.
 ۴۶۰. or: شما می‌توانید سوار اتوبوس بشوید یا تاکسی بگیرید.
 ۴۶۱. and: من به طرف وایت‌برد رفتم و موضوع درس جدید را نوشتم.
 ۴۶۲. but: برادرم مرد ثروتمندی است ولی خواهرم فقیر است.

463. These shoes are small, but those shoes are big.

این کفش‌ها کوچک هستند، ولی آن کفش‌ها بزرگ هستند.

464. Many people are still becoming sick because of the COVID 19, so they should stay at home.

بسیاری از مردم هنوز به دلیل کووید ۱۹ بیمار می‌شوند، بنابراین باید در خانه بمانند.

465. Jimmy seems very tired, but he has to do his homework.

جیمی خیلی خسته به نظر می‌رسد، اما باید تکالیفش را انجام دهد.

۴۶۶. c: شما می‌توانید از دیکشنری موبایلی استفاده کنید، یا [اینکه] می‌توانید یک (دیکشنری) جیبی بخرید.

۴۶۷. d: جاده‌ها پوشیده از یخ بود، بنابراین رانندگی [کاری] امن نبود.

۴۶۸. a: می‌خواستیم با شما تماس بگیریم، اما شماره شما را نداشتیم.

۴۶۹. b: به سمت پنجره رفتم و بیرون را نگاه کردم.

۴۷۰. گزینه (a): ملیکا گربه را گرفت و آن را در جعبه گذاشت.

(a) و آن را در جعبه گذاشت.

(b) پس از درخت بالا رفت.

(c) اما خیلی شلوغ بود.

(d) یا او خیلی دیر کرده بود.

۴۷۱. گزینه (d): رستوران خیلی زیبا نبود اما غذایش خیلی خوب بود.

(a) و من در آنجا اوقات بسیار خوبی را سپری کردم.

(b) یا می‌توانم امشب در خانه بمانم.

(c) بنابراین من به ندرت خوب آشپزی می‌کنم.

(d) اما غذایش خیلی خوب بود.

۴۷۲. گزینه (b): من سه ساعت را در باشگاه گذراندم، بنابراین اکنون واقعاً خسته هستم.

(a) و من بازیکن خوبی نیستم (b) بنابراین اکنون واقعاً خسته هستم

(c) اما من گرسنه هستم (d) یا اکنون آن را ترک می‌کنم

۴۷۳. گزینه (d): در آسمان ابرهای زیادی وجود دارد و نمی‌توانید خورشید را ببینید.

(a) اما باران خواهد بارید (b) بنابراین بسیار خنده‌دار است

(c) یا می‌توانید به بیرون بروید (d) و نمی‌توانید خورشید را ببینید

418. Saeed studied hard for the exam, but he didn't pass it.

سعید برای امتحان خیلی درس خواند، اما قبول نشد.

OR: Saeed studied hard for the exam; so he passed it.

یا: سعید برای امتحان سخت مطالعه کرد؛ بنابراین در آن قبول شد.

۴۱۹. but: خانم تهرانی ماهی را دوست دارد، اما مادر بزرگش از آن نفرت دارد.

۴۲۰. so: این کفش‌ها راحت نیستند، در نتیجه من آن‌ها را به ندرت می‌پوشم.

۴۲۱. and: آن زن ظرف‌ها را شست و دخترش آن‌ها را خشک کرد.

۴۲۲. or: شما می‌توانید این دفترچه راهنما را چک کنید، یا ممکن است وبسایت ما را ببینید.

۴۲۳. so: سحر خیز باش تا کامروا شوی، در نتیجه اگر می‌خواهی موفق بشوی بیدار شو و زود شروع به کار کن.

۴۲۴. and: او یک خانه خرید، شغلی پیدا کرد و سال گذشته مدرسه‌ای برای بچه‌هایش انتخاب کرد.

۴۲۵. but: لیوان روی (کف) زمین افتاد اما نشکست.

۴۲۶. or: شما می‌توانید (پول) را الان بپردازید یا وقتی نقاشی شما را تمام کردم.

۴۲۷. or: شما می‌توانید یک پیراهن بخرید یا پولتان را پس‌انداز کنید.

۴۲۸. so: در خانه چیزی برای خوردن نبود در نتیجه من به رستوران رفتم.

۴۲۹. but: دوستم مشکلات زیادی داشت اما چیزی به من نگفت.

۴۳۰. and: او چندین کتاب برای بچه‌ها نوشت و کتاب‌های داستان بسیاری را ترجمه کرد.

۴۳۱. or: او می‌تواند آن فرهنگ لغت را بخرد یا آن را از کتابخانه قرض بگیرد.

۴۳۲. so: هیچ نانی در خانه وجود نداشت، در نتیجه مادرم رفت بیرون تا کمی (نان) بخرد.

۴۳۳. but: خواهرم سیب دوست دارد ولی از موز متنفر است.

۴۳۴. and: علی یک کت جدید خرید و آن را به مدت دو سال پوشید.

ترجمه

امین دانش‌آموز خوبی است و به مدرسه‌های نزدیک خانه‌شان می‌رود. او می‌تواند با تاکسی یا پیاده به خانه بیاید. او معمولاً به موقع برمی‌گردد، ولی او دیروز دیر به خانه بازگشت به خاطر این که یکی از دوستانش مریض شد در نتیجه امین منتظر ماند تا پدر دوستش برسد.

435. and

437. but

436. or

438. so

ترجمه

معلم‌ان هر روز جدی کار می‌کنند تا مطمئن شوند شما درس‌هایتان را آموخته‌اید، در نتیجه آن‌ها سزاوار احترام شما هستند. شما باید به ارزش‌های آن‌ها احترام بگذارید و به آن‌ها بگویید به خاطر کمکشان سپاسگزارشان هستید. شما ممکن است گاهی مهربانی‌شان را فراموش کنید، اما باید به خاطر داشته باشید که آن‌ها مثل والدینتان شخصیت شما را شکل دادند. با آن‌ها تا وقتی هنوز پیرامونتان هستند رفتار خوبی داشته باشید در غیر این صورت روزی متأسف خواهید شد.

439. so

441. but

440. and

442. or

توضیح: or هم می‌تواند برای انتخاب بیاید و هم برای شرط (تهدید).

۴۴۳. ما می‌توانیم ناهارمان در رستوران بخوریم یا می‌توانیم آن را در خانه بخوریم.

۴۴۴. but: آن‌ها می‌خواستند به شما تلفن بزنند، اما شماره تلفن شما را نداشتند.

۴۴۵. so: آن فرهنگ لغت گران است، در نتیجه من نمی‌توانم آن را بخرم.

۴۴۶. but: سپیده اسپاگتی دوست دارد اما مادر بزرگش از اسپاگتی متنفر است.



تا مطمئن شوند که آنچه را که نیاز دارید یا می‌خواهید داشته باشید. این که به آنها بگویید از آنها سپاس گزارید، نشان دهنده میزان احترام شما به آنها است. ساده‌ترین راه برای نشان دادن عشق و احترام خود این است که به آنها بگویید قدرتان آنی که هستند و آنچه که می‌کنند، هستید. شما همچنین می‌توانید کاری کوچک اما معنی‌دار انجام دهید، مثلاً ظرف‌ها را بشوید، آشپزخانه را بعد از شام تمیز کنید یا اتاق‌ها را تمیز کنید. والدین شما به اعمال محبت‌آمیز شما توجه خواهند کرد و قدرتان آنها خواهند بود. همچنین می‌توانید به مادرتان بگویید که چقدر خوب آشپزی می‌کند یا به پدرتان بگویید که چقدر در کارش عالی است. برای اکثر والدین، هر یک از این چیزهای کوچک می‌تواند نشانه احترام باشد.

۴۸۱. (True): ما به کسانی که به دلایلی برای ما مهم هستند احترام می‌گذاریم.

۴۸۲. (False): اگر شما نسبت به مردم بی ادب باشید یا با آنها بد رفتار کنید، احساس مهم بودن می‌کنند.

۴۸۳. گزینه (d): ما احترام خود را با مؤدب بودن نسبت به کسانی که به آنها اهمیت می‌دهیم: نشان می‌دهیم.

الف) نیاز (ب) قدرت (ج) شادی (د) احترام

۴۸۴. گزینه (a): این که به والدین خود بگویید که از آنها سپاس گزارید، نشان‌دهنده میزان احترام شما به آنها است.

الف) منعکس کردن، نشان دادن (ب) اختراع کردن

ج) تصویر کردن (د) فریاد زدن

485. The easiest way to show our love and respect is to tell them that we appreciate who they are and what they do.

ساده‌ترین راه برای نشان دادن عشق و احترام خود این است که به آنها بگویید قدرتان آنی که هستند و آنچه که می‌کنند، هستیم.

486. Yes, it can. For example, washing the dishes/ cleaning the kitchen/ cleaning the room.

بله، می‌تواند. مثلاً شستن ظرف‌ها، تمیز کردن آشپزخانه، تمیز کردن خانه

ترجمه

تعدادی از مردم ترجیح می‌دهند کمک و پشتیبانی مستقیم برای آن‌هایی که نیاز دارند فراهم کنند. هرچند، دیگران دوست دارند که به سازمان‌های خیریه ملی و بین‌المللی پول بدهند. دادن پول به آن‌هایی که نیاز دارند می‌تواند شخصاً تجربه خوبی باشد، اما یک انتخاب بین اهدای پول از طریق خیریه‌ها به صورت ملی و بین‌المللی و یا دادن مستقیم به آن‌هایی که دور و بر شما هستند وجود دارد. یکی از مزایای فراهم کردن پشتیبانی مستقیم این است که شما می‌توانید دقیقاً بدانید که پولتان چگونه هزینه شده است. مزیت دیگر این است که شما می‌توانید تأثیرات آن‌ها را بر روی افرادی که به آن‌ها کمک می‌کنید، ببینید که این (امر) نه تنها می‌تواند به شادی شخصی زیادی منجر شود، بلکه همچنین به کسب احترام از جانب کسانی که کاری را انجام می‌دهید تحسین می‌کنند، منجر می‌شود.

مزایایی برای اهدا به خیریه‌های ملی و بین‌المللی وجود دارد. اولین و بهترین آن کمک کردن به مسائلی است که اهمیت بین‌المللی دارد. مثل درمان بیماری‌ها و حقوق انسانی یا کمک کردن به آن‌هایی که در رویدادهای محیط‌زیستی مثل زلزله‌ها و سیل‌ها هستند.

در پایان یک شخص باید انتخابش را در کمک به دیگران داشته باشد. نکته مهم این است که ما به کمک کردن به کسانی که نیاز بیشتری به کمک نسبت به خودمان دارند، ادامه دهیم.

487. It can lead not only to great personal happiness but also to respect from others who appreciate the work you do.

۴۷۴. گزینه (c): والدین من از کار در باغ لذت می‌برند و در آنجا سبزی می‌کارند.

(a) بنابراین آن‌ها غمگین هستند.

(b) یا باغشان زیباست.

(d) اما آن‌ها باغ خود را دوست دارند.

۴۷۵. گزینه (d): مهیار باید انتخاب کند. او می‌تواند تلویزیون تماشا کند یا

می‌تواند بخوابد.

(a) و او می‌تواند به خارج از کشور برود.

(b) بنابراین او بتواند در امتحان قبول شود.

(c) اما او می‌تواند پیانو بنوازد.

ترجمه

دکتر اسدی در حال پاسخ دادن به این سؤال مهم است: «چرا مهم است مراقب بزرگسالان خود باشیم؟» من فکر می‌کنم اول از همه (مهم‌تر از همه) باید به خاطر داشته باشیم آن‌ها مادران و پدران ما و اولین معلمان ما هستند. آن‌ها به ما یاد می‌دهند که چگونه عشق بورزیم، چگونه مراقبت کنیم، چگونه بخشیم و چگونه بپذیریم. ثانیاً: بزرگسالان دانش و خرد بیشتری نسبت به هر یک از ما به ما دارند. آن‌ها به این جا رسیده‌اند و چیزهای زیادی آموخته‌اند، ما مسئولیت داریم از آن خرد بیاموزیم. اما مهم‌ترین چیز تجربیات آنان است. ما ممکن است بدانیم یا ندانیم که آن‌ها با چه فراز و فرودهایی در زندگی مواجه شده‌اند، اما آن‌ها قطعاً تجربه‌ای را به دست آورده‌اند که که ارزش احترام گذاشتن و یادگیری را دارد. بزرگان ما ممکن است درد زیادی را از ما مخفی کنند چون آن‌ها نمی‌خواهند ما آن درد را احساس کنیم، کمترین کاری که می‌توانیم انجام دهیم این است که از آن‌ها بابت کارهایی که کرده‌اند قدرانی کنیم و از بصیرت‌شان در موقعیت‌ها بیاموزیم. با این حال، یک مسئله مهم دیگر میراث و فرهنگ ماست. ما باید چیزهای زیادی در مورد میراث خود از والدین مان یاد بگیریم. این میراث و تاریخ احساس تعلق خاطر را به ارمغان می‌آورد. از همه مهم‌تر، این به ما احساس هویت گذشته ما و مسئولیت محافظت از آن را برای نسل‌های آینده‌مان می‌دهد. آنچه در پایان می‌توانم اضافه کنم نقش اخلاق، ارزش‌ها و اصول والدین در زندگی ما است. بزرگان ما مجموعه‌ای از اخلاق، ارزش‌ها و اصول را در زندگی خود آموخته‌اند، ساخته‌اند یا پرورش داده‌اند. بزرگان ما بهترین چیزها را برای ما می‌خواهند و آن‌ها مایلند به ما بگویند چه مجموعه‌ای از قوانین و دستورالعمل‌ها آن‌ها را موفق و به‌طور امیدبخشی آرام کرده است.

476. Because they are our mothers and fathers, and our first teachers.

477. "They" refers to our parents.

478. Because it brings a sense of belonging.

479. We have to protect them for our future generations.

480. They are willing to tell us what set of rules and guidelines have made them successful.

ترجمه

احترام راهی برای خوب رفتار کردن یا فکر کردن زیاد درباره چیزی یا کسی است. شما به کسانی که برایتان مهم هستند احترام می‌گذارید. شما با ادب و مهربانی احترام خود را نشان می‌دهید. هنگامی که شما بی ادب هستید یا نسبت به مردم بد رفتار می‌کنید، آنها ممکن است احساس غمگینی یا عصبانیت کنند. اما به چه کسی باید بیشتر از همه احترام گذاشت؟

شما باید مراقب کسانی باشید که همیشه مراقب شما هستند. شما می‌دانید که والدینتان سر هر چیز کوچکی از شما مراقبت می‌کنند. شما باید آنها را دوست داشته باشید، به آنها احترام بگذارید و از آنها مراقبت کنید. علاوه بر این که شما را به دنیا می‌آورند، والدینتان وقت، انرژی و نیروی خود را صرف می‌کنند

